

Causes of Russia's Increasing Role in the Middle East Geopolitics after 2011

Majid Abbasi (Ashlaghi)¹
Masoud Akhshi²

Abstract

For more than a decade, especially since the popular uprisings in the Middle East in 2011, Russia has emerged as an active trans-regional power in the Middle East and North Africa. The adoption of such a role and approach has been particularly noticeable in Russian foreign policy since Putin's presidency. Russia's most important presence can be seen in the Syrian issue in 2015, during which Moscow played an active role in the developments in West Asia, and this trend has continued in the region. The present study has tried to answer the question using descriptive-analytical method and library and internet collection tools that: The most important factors in increasing the role of Russia after the 2011 developments in the Middle East in the last decade Which ones? In response to the main question of the research, the hypothesis is raised that the increasing role of Russia in the form of supra-regional and intervening power in the Middle East and North Africa in order to create a balance of power with multifaceted characteristics - multiplicity in the power structure of the international, geopolitical and security system. In the Middle East after the 2011 unrest, in the absence of Moscow in the Syrian crisis, the balance of power in the structure of the international system and the components of power at the regional level (resources, allies / partners, spheres of influence) would be dominated by the West and the United States. Also, Russia's strong presence in the Middle East has been carried out under the influence of security, political and economic contexts and stimuli in the region and in order to counter American unilateralism and order, as if the balance in economic, trade, geopolitical and ... There is also an important need for the continuation of Moscow's active Middle East foreign policy in the coming decades in the region.

Keywords: Russia, Multilateral / Multilateral Balancing, Multipolar Order, Middle East and Defensive and Offensive Non-Governmental Actors.

1. Associate Professor of International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

2. PhD student of Middle East studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) masoud.akhshi.2016@gmail.com



علل افزایش نقش روسیه در ژئوپلیتیک خاورمیانه پس از سال ۲۰۱۱

مجید عباسی (اشلقی)^۱

مسعود آخشی^۲

چکیده

طی بیش از یک دهه گذشته به‌ویژه پس از خیزش‌های مردمی در خاورمیانه در سال ۲۰۱۱، روسیه به‌عنوان قدرت فرامنطقه‌ای فعال در خاورمیانه و شمال آفریقا ایفای نقش نموده است. اتخاذ چنین نقشی و رویکردی به‌خصوص از دوره ریاست جمهوری پوتین در سیاست خارجی روسیه مورد توجه قرار گرفت. مهم‌ترین حضور روسیه را به‌شکل عینی می‌توان در مسئله سوریه سال ۲۰۱۵ مشاهده کرد که طی آن مسکو نقش فعالی را در تحولات غرب آسیا برعهده گرفت و تاکنون نیز این روند در منطقه ادامه داشته است. در پژوهش پیش رو سعی شده است تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار گردآوری کتابخانه‌ای و اینترنتی به این پرسش پاسخ داد که مهم‌ترین عوامل مؤثر در افزایش نقش روسیه پس از تحولات ۲۰۱۱ در منطقه خاورمیانه در یک دهه اخیر کدام‌اند؟ در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش این فرضیه مطرح می‌شود که افزایش نقش روسیه در قالب قدرت فرامنطقه‌ای و مداخله‌گر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در راستای ایجاد موازنه قوا با ویژگی چندوجهی - چندبرداری در ابعاد ساختار قدرت نظام بین‌المللی، ژئوپلیتیکی و امنیتی در خاورمیانه پس از وضعیت آشوب ۲۰۱۱ صورت پذیرفت که در صورت عدم حضور مسکو در بحران سوریه، توازن قدرت در ساختار نظام بین‌الملل و مؤلفه‌های قدرت در سطح منطقه‌ای (منابع، متحدان/ شرکا و قلمرو نفوذ) به‌شکل دومینووار به سمت غرب و آمریکا سوق می‌یافت؛ همچنین حضور پررنگ روسیه در خاورمیانه تحت تأثیر بسترها و محرکه‌هایی امنیتی، سیاسی و اقتصادی موجود در منطقه و در راستای مقابله با یک جانبه‌گرایی و نظم آمریکایی به‌اجرا درآمده است؛ همان‌طور که توازن در حوزه‌های اقتصادی، تجاری، ژئوپلیتیکی و... پیش‌نیاز مهمی برای تداوم سیاست خارجی خاورمیانه‌ای فعال مسکو در دهه‌های آتی در منطقه نیز هست.

کلیدواژه‌ها: روسیه، موازنه‌سازی چندوجهی / چندبرداری، نظم چندقطبی، خاورمیانه و بازیگران غیر دولتی تدافعی و تهاجمی.

۱. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری مطالعات خاورمیانه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
masoud.akhshi.2016@gmail.com



مقدمه

مروری بر پیشینه حضور روسیه در خاورمیانه

اهمیت منطقه خاورمیانه و سه زیر منطقه خلیج فارس، شامات - آناتولی و شمال آفریقا به دلیل دارا بودن منابع انرژی قابل توجه و موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ از جمله روسیه بوده است. حضور روسیه در این منطقه مربوط به دوران اتحاد جماهیر شوروی و روسیه کنونی نیست، بلکه به دوره تزارها بازمی‌گردد؛ یعنی زمانی که مهم‌ترین مسئله شرق نزد روس‌ها، دسترسی به تنگه‌های دریای سیاه و انضمام قسطنطنیه بود (سهرابی، ۱۳۹۲: ۱۱۵). در طول جنگ سرد نیز، مسکو به شدت در پی افزایش نفوذ خود در خاورمیانه از راه تضعیف نفوذ آمریکا در منطقه بود. حتی در مواردی همکاری مسکو با حکومت‌های سلطنتی محافظه کار در منطقه مانند مواردی چون امام یمن پیش از سرنگونی وی در سال ۱۹۶۲ وجود داشت.

در مواردی نیز مسکو از مخالفان خود حمایت کرد؛ مانند رژیم شاه ایران و امیر کویت، با این حال شوروی در پی افزایش نفوذ خود در منطقه به ضرر آمریکا با متحد شدن با رژیم‌ها و جنبش‌های ضد آمریکایی به ویژه ناسیونالیسم عرب بود؛ همچنین شوروی با جنبش‌های مارکسیستی در عمان، بحرین و صحرای غربی (پولیساریو) روابط گرمی داشت. (Vasiliev, 2018) اهداف شوروی بیشتر با ایجاد مناطق نفوذ در خاورمیانه و شمال آفریقا علیه بلوک غرب (لیبرال دموکراسی) همراه بود.

در سال ۱۹۹۰ نیز هم‌زمان با فروپاشی شوروی، روسیه به دلایلی از جمله آشوب سیاسی داخلی و ضعف اقتصاد داخلی ظرفیت‌های صادراتی و حضور آن در خاورمیانه محدود شده بود و بیشتر مقامات روسی توجه خود را به مسائل سیاست داخلی معطوف کرده بودند. از دست رفتن بنادر روسی در اوکراین که گلوگاه تجاری مهم اتحاد جماهیر شوروی به مدیترانه و شمال آفریقا نیز به تماس‌های تجاری روسیه با منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا آسیب زده بود؛ بنابراین در میانه دهه ۱۹۹۰ میزان تجارت کشورهای عربی با روسیه یک درصد از تجارت سالیانه روسیه را تشکیل می‌داد (Yusupov & Crane, 2009: 113).

در همین رابطه باید عنوان داشت، پیش از خیزش مردمی خاورمیانه در سال ۲۰۱۱، بسیاری از روابط قدیمی که در دوران اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شده بود، هنوز به سطح قبلی خود نرسیده بودند. در واقع حتی قوی‌ترین روابط (سوریه، لیبی، مصر و الجزایر) تا بازگشت کامل به الگوی روابط دوران جنگ سرد فاصله زیادی داشت؛ افزون بر این، انقلاب‌های پی‌درپی برخی از پیشرفت‌هایی را که مسکو

از ابتدای دهه ۲۰۰۰ به آن دست یافته بود به خطر انداخته بود؛ بنابراین جنگ سوریه فرصتی واقعی برای روسیه بود تا اهمیت منطقه‌ای خود را بازتعریف کند. (Barigazzi & Herszenhom, 2017)

مداخله نظامی روسیه سیگنال‌هایی از بازگشت روسیه پسا شوروی به عنوان قدرت بزرگ به ساختار نظام بین‌الملل ارزیابی می‌شود که به منظور از سرگیری نفوذ منطقه‌ای که مسکو و تقویت جایگاه قدرت جهانی‌اش انجام گرفته است. مقدمه حضور روسیه در سال ۲۰۰۵ با سفر پوتین پس از چهل سال به مصر شروع شد؛ همچنین سفر پوتین به اسرائیل نیز برای اولین بار بود که یک رهبر روسی به تل‌آویو سفر می‌کرد؛ بنابراین تغییرات سریع و خشونت‌آمیز بهار عربی در سال ۲۰۱۱ باعث شد مسکو نگران موج خیزش‌های مردمی باشد که ممکن بود به تغییرات عمیق که می‌توانست بر منافع آن در منطقه تأثیر بگذارد، منجر شود. در واقع رویدادهای محوری در زمان نخست‌وزیری پوتین در سال ۲۰۱۱ رأی‌ممنوع روسیه به قطع‌نامه ۱۹۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد که نشان از اجازه مسکو به کمپین منطقه پرواز ممنوع بین‌المللی بود سرنگونی دیکتاتور معمر قذافی در لیبی را تسهیل کرد.

هشت سال پس از سرنگونی رژیم صدام حسین در عراق، در سوریه بشار اسد که با شورش‌های سراسری روبه‌رو بود، روسیه تصمیم گرفت خط‌مشی مشخصی را تعیین کند جایی که مسکو منافع روشن و دیرینه‌ای در آن داشت (Sladden et al., 2017: 3). غیر از ایالات متحده آمریکا، روسیه به لحاظ حضور در خاورمیانه برجسته‌ترین قدرت است. گرچه حضور مسکو در منطقه پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی ۱۹۹۱ به میزان قابل توجهی کاهش یافت، اما زمانی که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در سال ۲۰۱۵ به نیروهای مسلح خود دستور دخالت در جنگ داخلی سوریه را صادر کرد، نقش مسکو در منطقه تجدید شد (Cook, 2021: 4).

در واقع روسیه در پاسخ به تحولات ساختاری - ژئوپلیتیکی نظام بین‌الملل در سال ۲۰۱۱ به رهبری آمریکا، وارد خاورمیانه شد؛ در این میان می‌توان به نقش قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل از جمله تغییر تاکتیک آمریکا از «حمله پیشگیرانه^۱» و استراتژی «تغییر رژیم^۲» دروان بوش به بهره‌گیری از سیاست «دیپلماسی اجبار^۳» و راه‌اندازی «جنگ نامتقارن^۴» در قالب ائتلاف‌سازی منطقه‌ای و طرح «بی‌ثبات‌سازی^۵» و ناامن کردن کشورهای امن و تبدیل آن‌ها به «دولت‌های فرومانده^۶» از راه مهندسی

1. Preemptive Strike Strategy
2. Change Regime Strategy
3. Coercive Diplomacy
4. Asymmetrical war
5. Destabilization Plan
6. Failed States

ژئوپلیتیکی^۱ در مناطق آشوب^۲ در دولت اوپاما اشاره کرد. در سطح منطقه‌ای نیز می‌توان به ویژگی نظم بی‌ساختار منطقه خاورمیانه همراه با جدال ژئوپلیتیک هویتی در قالب جنگ درون‌تمدتی اشاره داشت. سرانجام در سطح داخلی عواملی همچون فرایند شکننده دولت - ملت‌سازی در خاورمیانه و ساختار سیاسی داخلی که موجب ظهور عوامل گریز از مرکز و میکروپولیتیکی^۳ به شکل خرده‌ناسیونالیستی^۴ و خرده‌دولتی^۵ همانند افراط‌گرایان مذهبی در قالب داعش^۶ اشاره کرد (سجادپور و آخشی، ۱۳۹۹: ۵-۶). مجموعه شرایط مزبور وضعیت پیچیده‌ای را به لحاظ توازن قدرت در سه سطح ساختاری نظام بین‌الملل، منطقه‌ای (خاورمیانه) و سطوح داخلی دولت‌ها (حضور بازیگران غیر دولتی داعش و جبهه النصره) در سوریه برای مقامات کرملین پدید آورده بود.

حضور عملی مسکو در سوریه، قدرت نظامی روسیه میدان جنگ را تثبیت کرد و به‌نوبه خود بشار اسد رهبر سوریه را از شکست نجات داد. از آن زمان نیروهای رژیم اسد به کمک روسیه توانستند بیشتر قلمرو سوریه را پس بگیرند. در این روند نیروی دریایی روسیه پایگاه قدیمی خود در طرطوس را ارتقا داده و نیروی هوایی روسیه در پایگاه هوایی حمیم سوریه حضور یافت (Cook, 2021: 9). خاورمیانه و موضوعات مربوط به آن، یکی از مسائلی است که در دوران ریاست جمهوری پوتین توجه خاصی به آن معطوف شد. پرزیدنت پوتین تمایل خود را برای بازگرداندن روسیه به جایگاه «قدرت بزرگ» و طرح آن به‌عنوان یک مشکل گشای جهانی اعلام نموده و خاورمیانه فرصت مناسبی برای اثبات ادعاهای او است (شهرکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۳). سیاست خارجی ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در قبال خاورمیانه به‌طور گسترده‌ای اهداف مشابهی را در آن چیزی که اتحاد جماهیر شوروی در طول جنگ سرد دنبال می‌کرد را پیگیری می‌کند؛ اما با وجود مشابهت‌های گسترده در اهداف کلی مسکو در خاورمیانه، رویکرد پوتین برای دستیابی به آن‌ها با شوروی متفاوت است. در حالی که سیاست شوروی به‌طور معمول در راستای مخالف اهداف خاورمیانه‌ای متحدان منطقه‌ای آمریکا بود از راه (ایجاد مناطق نفوذ) بنابراین پوتین اهداف مزبور را به‌وسیله همکاری با متحدان منطقه‌ای واشنگتن پیگیری می‌کند. در همین رابطه، پرسش نوشتار پیش رو این است که مهم‌ترین عوامل مؤثر در افزایش نقش روسیه پس از تحولات ۲۰۱۱ در منطقه خاورمیانه در یک دهه اخیر کدام‌اند؟ در این پژوهش حاضر این فرضیه

1. geopolitical engineering
2. turbulence regions
3. Micro Politic
4. Sub-National
5. Sub-state
6. Islamic State of Iraq and Syria (ISIS)

را بررسی می‌کنیم که افزایش نقش روسیه در قالب قدرت فرامنطقه‌ای و مداخله‌گر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در راستای ایجاد موازنه قوای چندوجهی - چندبرداری^۱ در ابعاد ساختار قدرت نظام بین‌المللی، ژئوپلیتیکی و امنیتی در خاورمیانه پس از آشوب ۲۰۱۱ بود که در صورت عدم حضور مسکو توازن قدرت در ساختار نظام بین‌الملل و سطح منطقه‌ای مؤلفه‌های قدرت در منطقه (منابع، متحدان، قلمرو نفوذ) به شکل دومینووار به سمت غرب و آمریکا سوق می‌یافت. روش نوشتار توصیفی - تحلیلی و با ابزار گردآوری کتابخانه‌ای - اینترنتی است. پیش از ورود به بحث لازم است نظریه موازنه قوا (چندوجهی - چندبرداری) به عنوان چارچوب نظری که برای تحلیل و بررسی علل افزایش حضور روسیه در خاورمیانه و شمال آفریقا به کار بسته شده است، تشریح گردد.

۱. بخش اول

۱-۱. چارچوب نظری: توازن قوا

هر طرح پژوهشی به منظور پاسخ پرسش اصلی و آزمون فرضیه؛ نیازمند پشتوانه نظری است؛ بنابراین با توجه به موضوع پژوهش، نظریه موازنه قوا در مکتب نئورئالیسم (نواقح گرای) به منظور تبیین و تحلیل موضوع استفاده شده است.

واقع‌گرایی، به عنوان مکتب تئوریک مسلط در رشته روابط بین‌الملل در دوره پس از جنگ جهانی دوم به شمار می‌رود. واقع‌گرایان دولت‌ها را بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل می‌دانند. آن‌ها بر مقوله امنیت تأکید فراوان دارند؛ همچنین، نیروی نظامی کارآمد را برای حمایت از دیپلماسی، سیاست خارجی و در نهایت تأمین امنیت ضروری قلمداد می‌کنند. آن‌ها بر استفاده از مقدماتی همچون موازنه قدرت و بازدارندگی تأکید دارند (قوام، ۱۳۹۴: ۲۹۷-۲۹۸).

در همین راستا، از مهم‌ترین نظریه‌های روابط بین‌الملل و مجموعه‌های منطقه‌ای که نظم حاکم بر آن را مورد توجه و بررسی قرار می‌دهند، نظریه توازن یا موازنه قوا است، این نظریه از ابتدای شکل‌گیری حقوق بین‌الملل در قرن هفدهم میلادی، به عنوان اصل بنیادی دیپلماسی مطرح شد. معنای ساده توازن قوا عبارت است از نوعی تعادل میان قدرت کشورهای عضو نظام بین‌الملل، به طوری که هیچ‌کدام نتوانند به چنان قدرتی مسلطی تبدیل شوند که اراده خود را بر دیگران تحمیل کنند؛ بنابراین تعریف برخی از پژوهشگران، موازنه قدرت قانون رفتار دولت‌هاست. بدین معنا که آنان در صورت رویارویی با قدرتی متجاوز و برهم‌زننده تعادل به تأسیس یک قدرت موازن‌کننده مبادرت ورزیده و از ظهور قدرتی مسلط

و برتر جلوگیری می‌کنند (لطیفی پاکده، ۱۳۸۸: ۳۴).

عبارت قانون رفتار دولت‌ها بودن موازنه قوا دقیقاً در دیدگاه کنت والتز نظریه پرداز واقع ساختاری یا نوواقع‌گرایی را می‌توان در کتاب *سیاست بین‌الملل* خود در سال ۱۹۷۹ مشاهده کرد. مسئله اصلی که برای والتز مهم است و بینان نظریه او به‌شمار می‌رود این است که چرا دولت‌ها در نظام بین‌الملل با وجود تفاوت‌هایی که از نظر سیاسی و ایدئولوژیک دارند، رفتار مشابهی در سیاست خارجی به‌نمایش می‌گذارند (Waltz, 1979: 79). در همین راستا باید بر این نکته تأکید کرد که وضعیت نبود اقتدار مرکزی باعث تحمیل نظم و روشی به دولت‌ها می‌شود از جمله آن‌ها اینکه پیش از هر چیز دولت‌ها باید برای بقای خویش به دنبال حفظ امنیت باشند (قوام، ۱۳۹۴: ۳۶۵).

شرایطی چند برای تحقق موازنه قدرت ضروری است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: بازیگران متعدّد سیاسی، فقدان یک قدرت مرکزی و مشروع، توزیع نابرابر قدرت، رقابت مستمر اما کنترل‌شده مناقشات میان بازیگران سیاسی حاکم برای کسب ارزش‌ها و منابع کمیاب جهان و تفاهم میان رهبران قدرت‌های بزرگ درباره نفع مشترک ناشی از مکانیسم توزیع قدرت که شامل حفظ ثبات و تأمین امنیت و تداوم صلح است (لطیفی پاکده، ۱۳۸۸: ۳۵)؛ البته دلجویی از عضو شکست‌خورده نظام بین‌الملل و بازگرداندن آن به موازنه قوا یکی دیگر از اصول توازن قوا است و در همین راستا یکی از انتقاداتی که به آرمان‌گرایان در فاصله بین دو جنگ اول و دوم جهانی شد، عدم وارد کردن آلمان شکست‌خورده از جنگ به درون ائتلاف بود که خشم زیر خاکستر آلمانی‌های تحت فشار سیاسی و نظامی و اقتصادی بیست سال بعد با ظهور هیتلر ۱۹۳۹ آشکار شد (نگارنده).

استیفن والت، از شاگردان برجسته والتز، با تأکید بر مفروضات نوواقع‌گرایی بر اهمیت موازنه تهدید تأکید داشت. به نظر وی، دولت‌ها در برابر تمامی توانمندی‌های خارجی دست به موازنه نمی‌زنند، بلکه در برابر تهدیدات (که هم بر حسب نیت‌ها و هم توانمندی‌ها تعریف می‌شود) موازنه‌سازی می‌کنند (برچیل و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۹)؛ به عبارت دیگر آنچه تاکنون در عرصه علمی و دانشگاهی با عنوان توازن قوا مطرح بوده و در عرصه عملی، توازن تهدید است در واقع دولت‌ها نه در برابر قدرت، بلکه در مقابل تهدید دست به توازن می‌زنند؛ در واقع دولت‌ها می‌کوشند تا با ایجاد توازن در مقابل دولت‌های تهدیدکننده، زمینه‌های لازم برای ایجاد ثبات، امنیت و تعادل را فراهم آورند (مصلى نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۷-۱۴۸). در واقع‌گرایی ساختاری نیز دولت‌ها به شدت به موازنه قوا اهمیت می‌دهند. آن‌ها در تلاش هستند تا به نوعی از رقابت بالقوه خود قوی‌تر باشند؛ زیرا این برتری بقا و امنیت آن‌ها را تضمین می‌کند؛ بنابراین جنگ و نیروی نظامی نه برای تغییر و برهم زدن وضع موجود، بلکه حفظ وضع موجود مفید است

(Waltz, 1979: 191). راهبرد کشورها برای مقابله با تلاش رقبای افزایش قدرتشان موازنه‌سازی است، کشورهایی که احساس تهدید می‌کنند از راه موازنه‌سازی درون‌گرا، یعنی تقویت توانایی‌های خود، با موازنه‌سازی برون‌گرا، در چارچوب ائتلاف‌های نظامی به مقابله با کشورهای برهم‌زننده موازنه‌قوا می‌پردازند (Waltz, 1979: 128-126).

استیفن والت و والتز با تأکید بر رفتار تدافعی دولت‌ها، بر استراتژی‌های موازنه توجّه کمتری داشتند؛ ولی مرشایمر تمرکز خود را بر رفتار و استراتژی موازنه قرار داده است و از موازنه و موازنه‌سازی به عنوان رویکرد رفتاری سخن به میان می‌آورد (چگنی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۳). به‌باور مرشایمر، در نظام بین‌الملل، قدرت جهانی امکان‌پذیر نیست و از این رو دستیابی به مناطق حسّاس و استراتژیک از اولویت‌های مهمّ سیاست خارجی کشورهاست، هژمونی در این مناطق، موجبات هژمونی در مناطق دیگر را فراهم می‌سازد و در همین زمینه موازنه‌قوای منطقه‌ای مهم‌ترین راهکار احتمالی مدّ نظر گرفته می‌شود. از نظر وی فشارهای سامان‌مند منطقه‌ای ممکن است برای جلوگیری از ظهور یک هژمونی کافی نباشند. اینجاست که نقش موازنه‌گر فرمانطقه‌ای بسیار اهمیت می‌یابد (چگنی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۶-۲۵۷)؛ بنابراین قدرت‌های بزرگ می‌توانند از اصلی‌ترین نیروهای تأثیرگذار در توازن منطقه‌ای باشند. این امر انعکاس نشانه‌هایی به‌شمار می‌رود که قدرت‌های بزرگ در کنترل محیط، حوادث، منابع و بازیگران منطقه‌ای نقش ایفا می‌کنند (متقی، ۱۳۹۲: ۱۶۵).

۱-۱-۱. روسیه و رویکرد توازن قوا (چندوجهی - چندبرداری) در خاورمیانه

از آنجاکه موازنه‌قوای روسیه از سال ۲۰۱۱ در برابر قدرت‌های غربی و آمریکا در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شامل ابعاد (ژئوپلیتیکی، انرژی، نظامی، اقتصادی و سیاسی دیپلماتیک) دربر می‌گرفت؛ بنابراین اصطلاح موازنه‌قوای چندوجهی^۱ را می‌توان برای رویکرد مسکو برگزید؛ از سوی دیگر موازنه‌قوای چندوجهی روسیه نتایج موازنه‌سازی چندبرداری^۲ (لایه‌لایه) را به همراه دارد. منظور از چندبرداری نیز اشاره به این نکته دارد که موازنه در یک‌لایه یا بخش به فرض اقتصادی منجر به موازنه در لایه دیگر سیاسی می‌شود.

درواقع روسیه از سال ۲۰۱۵ به دلیل مداخله نظامی خود در سوریه به یک بازیگر اصلی خارجی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) تبدیل شده است. روسیه به عنوان یک کشور موازنه‌گر و میانجی‌گر در چندین مناقشه منطقه‌ای عمل کرده است و همچنان به عنوان تضمین‌گر امنیت برای دولت سوریه

1. Multidimensional power balancing

2. Multiplication or MultiVectorof power balancing

نقش آفرینی می‌کند؛ البته گرچه این دوره منافع عملی را مانند افزایش همکاری فنی و اقتصادی و نظامی با کشورهای منتخب خاورمیانه و شمال آفریقا برای مسکو در پی داشته؛ ولی با ورود به دهه ۲۰۲۰ خطرات مشارکت فعال‌تر در خاورمیانه نیز افزایش یافته است. در سه مورد که دخالت روسیه قابل توجه بوده است (سوریه، لیبی، مشکلات اسرائیل - فلسطین) و همچنین آمریکا و ایران در منطقه خلیج فارس که نیازمند گفتگوی فوری برای ایجاد ساختارمند منطقه‌ای در خلیج فارس است که امکان دارد نفوذ و (رویکرد چندبردار) مسکو را به چالش بکشد. (Stepanov, 2020: 1) در ادامه بحث در چارچوب مبانی نظری و فرضیه پژوهش در بخش اول به مهم‌ترین علل افزایش نقش و حضور روسیه در خاورمیانه خواهیم پرداخت و در بخش دوم به بررسی مهم‌ترین بسترها و شرایطی که به تسهیل حضور و مسکو در خاورمیانه انجامید می‌پردازیم.



نمودار (۱). روسیه و راهبرد موازنه قوای چند وجهی - چندبرداری در خاورمیانه از سال ۲۰۱۱

۲. بخش دوم

۲-۱. مهم‌ترین علل افزایش نقش روسیه در خاورمیانه

۲-۱-۱. موازنه‌سازی ژئوپلیتیکی در ساخت قدرت نظام بین‌الملل

مهم‌ترین بخش از سیاست موازنه‌چندوجهی روسیه در سیاست خارجی این کشور را می‌توان جلوگیری از برهم خوردن تعادل در نفوذ ژئوپلیتیکی و ساخت قدرت نظام بین‌الملل دانست. پیرو نظرات مرشایمر و تأکید وی بر لزوم دستیابی قدرت‌های بزرگ به مناطق حساس و استراتژیک و اولویت قراردادن آن در سیاست خارجی خود و نهایت اعمال هژمونی در این مناطق که موجبات هژمونی در مناطق دیگر را فراهم خواهد ساخت، باید بر این نکته تأکید کرد که خاورمیانه از دیرباز دارای اهمیت ژئواستراتژیکی بالایی بوده است.

خاورمیانه و بخش‌های فرعی آن، مانند زیرمنطقه خلیج فارس همواره باعث شده در تحولات تاریخ‌ساز دوران معاصر مانند جنگ جهانی اول و دوم، شکل‌گیری نظم جهانی پس از پایان جنگ سرد و حوادث پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در مدار موازنه‌ها قرار گیرند. در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای نیز، عواملی وجود دارد که زمینه‌ساز قطب‌بندی کشورها منطقه و تقارن آن‌ها با منافع کشورهای فرامنطقه‌ای و در نتیجه، شکل‌گیری ائتلاف‌ها و ائتلاف‌ها می‌شود. (سیفی و پورحسین، ۱۳۹۵: ۸۶). همکاری روسیه با آمریکا در مبارزه تروریسم در سال ۲۰۰۱ در افغانستان و حمله ناتو به لیبی با همراهی مسکو در تصویب قطع‌نامه ۱۹۷۳ در شورای امنیت و سقوط قذافی نشان داد که همراهی با غرب و آمریکا سودی برای مسکو در خاورمیانه نخواهد داشت؛ بنابراین از نگاه روسیه مداخله نظامی کشورهای غربی، مسکو را از متحدان سنتی خود (صدام حسین در عراق ۲۰۰۳) و متحد بالقوه معمر قذافی در لیبی ۲۰۱۱ محروم کرده کرد. در همین راستا، روسیه برای جبران چنین شکست‌های ژئوپلیتیکی در صدد بازگشت به منطقه از راه دخالت در مسئله بود. در اهمیت خاورمیانه لویگانوف دانشمند سیاسی روس بیان می‌دارد که هرکس موقعیت قوی را در منطقه خاورمیانه داشته باشد، موقعیت‌های قوی نیز در جهان خواهد داشت (The

Economist, 2017)

پیرو نظر مرشایمر تسلط بر مناطق حیاتی و حساس از سوی قدرت‌های بزرگ یکی از راهکارهای موازنه‌سازی است؛ بنابراین افزایش حضور روسیه در خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) در همین راستا، قابل ارزیابی است.

۲-۱-۲. جلوگیری از گسترش نظم آمریکایی و تغییر رژیم متحدان منطقه‌ای مسکو

یکی از مهم‌ترین دلایل ورود عملی روسیه به تحولات خاورمیانه به‌ویژه سوریه را می‌توان جلوگیری از

گسترش نظم آمریکایی و غربی ارزیابی کرد. در همین راستا، پس از پایان جنگ سرد نظم آمریکایی کم و بیش به اروپای شرقی و سایر کشورهای پیرامونی روسیه وارد شد. گسترش انقلاب‌های رنگی، گسترش نقش و نفوذ و ورود برخی کشورهای اروپای شرقی به اتحادیه اروپا را باید نشانه‌هایی از تلاش غرب برای گسترش نظم دلخواه خود به محیط پیرامونی روسیه ارزیابی کرد؛ همچنین روس‌ها ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه یا سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپا را به عنوان تهدید ارزیابی می‌کنند. روس‌ها ایجاد چنین سامانه‌هایی را به معنای تضعیف موقعیت و تهدید منافع امنیتی خود می‌دانند؛ همچنین آن‌ها ایجاد چنین سامانه‌هایی را به معنای ایجاد فضای بیشتر برای همکاری کشورهای اروپایی شرقی با آمریکا و خروج آن‌ها از دایره نفوذ روسیه و به تعبیری، گسترش نظم غربی به حوزه خود می‌دانند (کرمی، ۱۳۸۹: ۱۸۱-۱۹۶)؛ از طرفی، تحولات جاری در خاورمیانه را می‌توان به شکلی ادامه همین روند ارزیابی کرد. کشورهای غربی به رهبری آمریکا با توجه به خواسته‌های مردمی در پی بهره‌برداری از وضعیت منطقه با هدف گسترش نظم دلخواه خود هستند. به باور آن‌ها حکومت‌های دیکتاتوری شاید در کوتاه‌مدت به بهترین شکل منافع آمریکا را تأمین کنند، اما گسترش نظم آمریکایی به شکل ساختاری و بلندمدت، منافع غرب را تأمین خواهد کرد.

آن‌ها معتقدند گسترش نظم آمریکایی، کشورهای خاورمیانه را به طور نهادینه و ساختاری به حوزه غرب وارد خواهد کرد. در مقابل، روسیه قرار دارد که مخالف گسترش نظم آمریکایی به منطقه است. روسیه گسترش نظم آمریکایی به منطقه را به معنای گسترش نقش و نفوذ آمریکا در یکی از مناطق جهان می‌داند که به منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی آن‌ها ضربه می‌زند (ترابی، ۱۳۹۱: ۱۶۷). در همین رابطه باید تأکید کرد که روسیه و چین به جای دموکراسی به حاکمیت ملی اعتقاد دارند و بر این باور هستند که خاورمیانه نباید به دنبال تغییر بوده، بلکه باید با ساختارهای موجود همکاری کرد (سریع‌القلم، ۱۳۹۵: ۱۰۵)

۲-۱-۳. ایجاد توازن در روابط سیاسی و دیپلماتیک با بازیگران اصلی خاورمیانه

طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ مقامات روسیه از مذاکره با همه بازیگران منطقه‌ای استقبال کردند و کوشیدند تا قدرت‌های منطقه‌ای خاورمیانه را در طیف وسیعی مسائل مشارکت دهند (راهبردی که کرملین تا امروز آن را ادامه داده است). در همین رابطه مسکو به همکاری با کشورهای عرب منطقه به ویژه شورای همکاری خلیج فارس در چارچوب گفتگوهای استراتژیک روسیه - شورای همکاری خلیج فارس ادامه داد در همین رابطه مجموع نشست‌های وزارتی با هدف حفظ یک بستر مذاکراتی

همه‌جانبه با پادشاهی‌های خلیج فارس به وسیله مسکو در نوامبر ۲۰۱۱ آغاز شد (Aluwaisheg, 2014). در فوریه ۲۰۱۳ نیز روسیه به ایجاد مجمع همکاری عرب - روسیه^۱ اقدام کرد که در آن مقامات روسی و نمایندگان عالی‌رتبه کشورهای عربی می‌توانند مسائل سیاسی و اقتصادی موجود را بررسی کنند. توجه ویژه مسکو به توسعه روابط با سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان همکاری اسلامی^۲ و اتحادیه عرب^۳ بود (Russiabbc, 2014)؛ البته پیش‌تر روسیه در سال ۲۰۰۵ در نشست وزیران امور خارجه کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در صنعا پایتخت یمن به عنوان عضو ناظر این سازمان پذیرفته شد. با بررسی نوع روابط ایران و آمریکا، مشخص می‌شود که ایران نقش متحد طبیعی را برای چین و روسیه در منطقه خاورمیانه در برابر قدرت طلبی واشنگتن بازی می‌کند و این مهم برای روسیه یک برگ برنده است.

در راستای موازنه سیاسی دیپلماتیک و سیاسی همچنین پیوندهای اقتصادی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه از واژه دیپلماسی شبکه‌ای روسیه در خاورمیانه به منظور گسترش حوزه و شعاع قدرت دیپلماتیکی و تعاملات مسکو استفاده کرده است. در همین راستا، جرج کتان واقع‌گرای دوران جنگ سرد از دیپلماسی و جنگ به عنوان ابزارهای توازن قوا و گستره نفوذ بازیگران مسلط نظام بین‌الملل یاد می‌کند.

۲-۱-۴. تلاش برای تثبیت نظام چندقطبی در برابر تک‌قطبی آمریکا

یکی از مهم‌ترین اهداف مسکو به لحاظ ساختار روابط بین‌الملل، پیگیری نظام چندقطبی در نظام بین‌الملل به جای نظام تک‌قطبی آمریکایی است؛ بنابراین توانایی‌ها و قابلیت‌های رهبران کشورها برای ایفای نقش در یک منطقه و امکان سپردن تعهدات معتبر عوامل تعیین‌کننده مهمی برای راهبردهای کشورها در نظام‌های منطقه‌ای هستند که به نوبه خود، نوع نظام منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهند. وقتی قدرت‌های بزرگ نقشی در یک منطقه ایفا می‌کنند، ظهور یکی از پنج نظم ممکن زیر محتمل به نظر می‌رسد: چیرگی یا استیلا، موازنه قوا، کنسرت، امنیت دسته‌جمعی یا یک جامعه امنیتی تک‌گرا (پایایانو، ۱۳۹۲: ۱۸۷-۱۹۸). موازنه‌سازی روسیه در برابر ایالات متحده به دنبال بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ وارد فاز تازه‌ای شد بر این اساس، روسیه و غرب وارد دوره کاملاً جدیدی از تحولات شدند که اگر در مقایسه با دوره زمانی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۴ که نوعی نظم ظاهراً تک‌قطبی وجود داشت،

1. Arab-Russian Cooperation Forum
2. Organisation of Islamic Cooperation (OIC)
3. League of Arab States (LAS)

به منزله ظهور شکل جدیدی از نظم جهانی بود (شهرکی، راجی، طوسی، ۱۳۹۸: ۵۳). حضور بازیگران متعدّد در نظام بین‌الملل (چندقطبی) شانس عملی کردن راهبردهای توازن قوا و همچنین احاله مسئولیت از سوی قدرت‌های بزرگ را به دلیل افزایش موضوعات چالش‌برانگیز بالا می‌برد آقای پریفیتی در کتاب سیاست خارجی ایالات متّحده در خاورمیانه نیز بدان اشاره دارد.

۲-۱-۵. جلوگیری از قدرت‌یابی بنیادگرایی اسلامی و دموکراسی ادّعایی غرب

از دیدگاه روسیه، ساختارهای دولتی قدرتمند تنها چارچوبی است که چالش‌های ثبات در منطقه و به‌ویژه افزایش قدرت اسلام مبارز را مهار می‌کند. در دید مسکو، تجربیات غربی در عراق و افغانستان باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا آن‌ها تلاش‌های یهوده‌ای برای تحمیل دموکراسی به کشورهای اسلامی انجام دادند؛ بنابراین چنین تلاش‌هایی منجر به ظهور دولت‌های شکست‌خورده شد تا دموکراسی. در نهایت ترجیح روسیه بر حفظ وضع موجود در کشورهای منطقه متمرکز بود برای نمونه برای پوتین، مهره‌هایی همچون صدام حسین، معمر قذافی بشار اسد بیشتر از اسلام رادیکال ارزش داشت (Malashenko, in M.-N. Tannous, 2017).

مسکو در برابر تغییرات افسارگسیخته غرب خود را به‌عنوان راوی ارزش‌های سنتی معرفی کرد؛ در همین راستا، پوتین در هفتادمین سخنرانی مجمع عمومی سازمان ملل متّحد از همه کشورهای خواست تا به اصل حاکمیت دولت و عدم مداخله به‌عنوان حداقل بستری که ملت‌ها می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند، احترام گذارند. پوتین رویکرد مزبور را به‌مثابه جایگزینی برای مداخله‌گرایی بی‌پروای غربی مطرح کرد.^۱

۲-۱-۶. دور کردن تهدیدات اسلام سلفی (تروریسم) از محیط پیرامونی مسکو

با افزایش تهدیدات تروریستی در سوریه و عراق در اوایل سال ۲۰۱۵ عمده هدف روسیه دور کردن تهدیدات از فضای شوروی سابق بود. براساس اطلاعات سرویس‌های امنیتی روسیه در اوایل سال ۲۰۱۵ حدود ۲۰٪ از کل مسلّحین خارجی مخالف سوریه را روس‌زبانان تشکیل می‌دادند. نزدیک به ۱۸۰۰ بومی از قفقاز شمالی که در میان آن‌ها ۱۵۰۰ نفر از چچن و ۲۰۰ از داغستان بودند (Matlack, 2015). در سال ۲۰۱۶ تعداد جنگجویان روسی‌زبان در سوریه و عراق بین سه هزار تا پنج هزار نفر تخمین زده شده بود. در همین رابطه نگرانی روسیه از گسترش اسلام سلفی به حوزه نفوذ خود جدی است. مجاورت خاورمیانه و مرزهای جنوبی روسیه باعث شده است که بسیاری خاورمیانه را برای منافع روسیه

1. <http://en.kremlin.ru/events/president/news/50385>

نقطه آسب پذیر قلمداد کنند.

مسکو از روی کار آمدن یک دولت اسلامی افراطی در سوریه نگران است و به دلایل مختلف آن را تهدیدی علیه ثبات مناطق مسلمان‌نشین خود می‌داند (رستمی، ۱۳۹۴: ۱۰۹-۱۱۲). اولاً: برخی مناطق روسیه از جمله چچن و داغستان مناطقی هستند که سلفی‌ها به توسعه نفوذ خود در آنجا امیدوارند. دوماً: برخی از اتباع روسیه که به گروه‌های تروریستی در سوریه پیوسته‌اند، با مسکو دشمنی دیرینه داشته و سودای جدایی حکومت مرکزی را دارند (فیروزآبادی و مرادی، ۱۳۹۴: ۷۹-۸۰)؛ بنابراین در سوریه ۲۰۱۵، اقدام روسیه در راستای تحقق دکترین امنیت ملی است. مصون‌سازی محیط پیرامونی از تهدیدات خارجی از اصول سند دکترین امنیتی روسیه تا سال ۲۰۲۰ است (قربانی، ۱۳۹۲).

۲-۱-۷. موازنه‌سازی برون‌گرای اقتصادی با منطقه‌نا و کاهش فشار تحریم‌های غرب از آغاز دهه ۲۰۰۰ کرملین کوشیده است تا روابط بین تلاش‌های دیپلماتیک و سیاسی و اقتصادی خود را تقویت کند تا این دو به نفع یکدیگر پیش بروند. تلاش‌های روسیه برای توسعه منافع اقتصادی خود در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) نتیجه «اقتصادی شدن» سیاست خارجی این کشور است. در واقع اقتصاد به‌عنوان وسیله‌ای برای تقویت نفوذ سیاسی منطقه‌ای روسیه تلقی می‌شود. در همین راستا روسیه به‌دستور اتاق بازرگانی و صنایع روسیه و اتاق‌های بازرگانی صنایع و کشاورزی کشورهای عربی به تأسیس شورای تجاری روسی-عربی^۱ در سال ۲۰۰۲ اقدام کرد و در شمال آفریقا مشارکت مجدد روسیه به‌طور عمده منافع اقتصادی در درجه اول از راه نفوذ در بخش‌های انرژی و فروش سلاح انجام شده است (Facon, 2017: 10-11).

در پاسخ به وضع تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا، سیاست‌گذاران روسی به دنبال افزایش تجارت با کشورهای غیر غربی از جمله کشورهای خاورمیانه بوده‌اند؛ برای مثال، در سال ۲۰۱۹، سرگئی تسیب معاون وزیر صنعت روسیه، اعلام کرد که روسیه امیدوار است با اسرائیل و ایران و مصر توافق‌نامه تجارت آزاد امضا کند. با این حال، تجارت روسیه با این منطقه من محدود به رقم ۴۵/۵ میلیارد دلار یا ۸٪ از کل تجارت جهانی روسیه است. در سال ۲۰۱۷ نزدیک به نیمی از این مقدار میان روسیه-ترکیه (۲۱/۶ میلیارد دلار) بوده است. پس از آن مصر با ۶/۷ میلیارد دلار، الجزایر ۴/۷ میلیارد دلار، ایران ۲/۵ میلیارد دلار و امارت متحده عربی با ۱/۶ میلیارد دلار. فعالیت اقتصادی روسیه در منطقه همچنان بر مناطقی سنتی قدرت خود بر همکاری در زمینه انرژی (نفت - گاز و هسته‌ای) در کنار صادرات

تسلیحات و غلات روسیه متمرکز است (Aron, 2019: 35). در همین راستا سند امنیت ملی روسیه در سال ۲۰۲۱، بر اهمیت رشد و امنیت اقتصادی تأکید ویژه دارد (NSS, 2021: 1-4). در مجموع ارتباطات اقتصادی روسیه با کشورهای خاورمیانه این امکان را به روسیه می‌دهد تا از تحریم‌های غرب رها شود. در همین راستا روسیه طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ به مصر و ایران پیشنهاد داد تا در تجارت دوجانبه از ارزهای ملی به جای یورو و دلار آمریکا استفاده کنند. حتی پیشنهادی برای ایجاد منطقه آزاد تجاری با اتحادیه اقتصادی ارواسیا ارائه داد. ایران در سال ۱۳۹۸ به عضویت اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۱ درآمد (Kozhanov, 2018: 16).

طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۷ روسیه مسائل اقتصادی و مالی سختی را تجربه کرد که منافع آن را به خاورمیانه به عنوان منبع بالقوه سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد این کشور و در پروژه‌هایی که به وسیله شرکت‌های روسی در خارج از کشور اجرا می‌شد را تعیین کرد. تا سال ۲۰۱۷، صندوق سرمایه‌گذاری مستقیم روسیه^۲ قراردادهای و توافق‌نامه‌های همکاری با نهادهای سرمایه‌گذاری عربستان سعودی، بحرین، کویت، قطر و امارات را امضا کرده بودند. در سال ۲۰۱۵ صندوق روسیه موافقت‌نامه‌ای را با صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان^۳ امضاء کرد. طبق سند مزبور انتظار می‌رود صندوق سرمایه‌گذاری عربستان سعودی تا ده میلیارد دلار در اقتصاد روسیه سرمایه‌گذاری کند. مقامات روسیه تمایل خود را به سرمایه‌گذاری عربستان در پروژه‌های با هدف توسعه ظرفیت‌های تولید گاز مایع روسی و ایجاد سرمایه‌گذاری مشترک برای تحقیق، طراحی و تولید تجهیزات نفت و گاز مشارکت کند. قطر و سازمان سرمایه‌گذاری^۴ دوحه بازیگر اصلی در اقتصاد روسیه است تا سال ۲۰۱۷ دارای قطر در روسیه ۲/۵ میلیارد دلار تخمین زده شده است.

از سال ۲۰۱۳ دوحه سرمایه‌گذاری‌های بزرگی در بانک VYB روسیه در فرودگاه پولکووو در سن پترزبورگ در روسیه داشته است (Kozhanov, 2018: 16). از جمله تاکتیک‌های مورد استفاده روسیه در حوزه مالی گسترش دامنه فعالیت شرکت سهامی عام^۵ این کشور در جنگ داخلی سوریه و لیبی چاپ ارز رایج متحدان خود بود که تحت تحریم آمریکا و اروپا چاپ هر گونه پولی ممنوع بود (Blank, 2018: 263).

راهبرد موازنه‌سازی در واقع‌گرایی به‌شکل درون‌گرایی تقویت قدرت ملی (مقدورات ملی) و

1. Eurasian Economic Union (EAEU)
2. Russia Direct Investment Fund (RDIF)
3. Saudi Arabia,s Public Investment Fund (PIF)
4. Qatar Investment Authority (QIA)
5. Goznak

برون‌گرایی در قالب اقتصادی (ایجاد بلوک همکاری مانند اتحادیه اقتصادی ارواسیا) یا سیاسی (شانگهای) می‌تواند عملی شود. عضویت ایران در شانگهای با حمایت روسیه و اتحادیه اقتصادی اوراسیا یکی از اقدامات مسکو در راستای توازن قوا در منطقه است.

۲-۱-۸ تلاش برای گسترش همکاری‌های انرژی با هدف تسلط بر معادلات منابع

ژئواکونومیک

اقتصاد روسیه به شدت به صادرات نفت و گاز وابسته است و این امر آن را نسبت به نوسانات قیمت نفت حساس می‌کند؛ بنابراین مسکو توجه زیادی به بازارهای انرژی دارد. روسیه به‌عنوان یکی از سه تولیدکننده بزرگ نفت جهان به همراه دو کشور دیگر ایالات متحده و عربستان سعودی - تأثیر قابل توجهی بر تولید و قیمت آن دارد. روسیه همچنین بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز در جهان است. صادرات آن به اروپا هم کارکرد اقتصادی دارد و هم کارکرد استراتژیک؛ بنابراین دست‌کاری در قیمت گاز به آسانی قیمت نفت نیست. بازارهای گاز جهانی نیستند؛ بلکه منطقه‌ای هستند با مسیرهای حمل و نقل مانند خطوط لوله پیوند خورده‌اند؛ از این رو مسکو به دنبال افزایش هماهنگی با صادرکنندگان برجسته منطقه‌ای مانند قطر، ایران و الجزایر است. با این حال، در عین اینکه انرژی فرصت‌هایی را برای همکاری ایجاد می‌کند، روسیه از رقابت می‌هراسد. برای نمونه روسیه نگران است که ایران کنترل آن را بر بازارهای اروپایی کاهش دهد. روسیه بارها پیشنهاد سرمایه‌گذاری در پروژه‌های خط لوله را داده است که گاز ایران را از شرق به پاکستان منتقل کند تا از غرب به اروپا (Aron, 2019: 35).

عمده تلاش‌های روسیه در خاورمیانه پس از تحولات سال ۲۰۱۱ در منطقه در بخش نفت و گاز را می‌توان تلاش برای بهبود قیمت پایین نفت دانست. در همین رابطه سازمان‌های کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و روس‌ها و نه کشور دیگر تولیدکننده نفت غیر اوپکی که اکنون به نام اوپک پلاس شناخته می‌شوند، توافق کردند تا تولید نفت را محدود کنند تا قیمت نفت را پس از کاهش شدید قیمت در سال ۲۰۱۴ افزایش دهند. با وجود اختلاف نظر شدید بین ریاض و مسکو در اوایل سال ۲۰۲۰، توافق‌نامه‌های محدودیت تولیدی که اوپک پلاس در سال ۲۰۱۶ منعقد کرده بود دست‌نخورده باقی ماند (Cook, 2021)؛ از جمله دیگر تاکتیک‌های روسیه برای پیوند زدن همکاری‌های انرژی با فروش سهام شرکت‌های نفتی و گازی این کشور به اعضا شورای همکاری خلیج فارس است تا آن‌ها در سود و زیان شریک باشند و آسیب‌پذیری متقابل ایجاد شود؛ برای نمونه روسیه، با وجود اینکه قطر رقیب اصلی در بازار گاز جهانی روسیه است، مسکو تصمیم گرفت خرید سهام شرکت روسنف^۱ را به وسیله

سازمان سرمایه‌گذاری قطر تصویب کند. هرچند این معامله به‌طور خطرناکی نفوذ کشور دیگری را در فرایند تصمیم‌گیری یکی از غول‌های اصلی انرژی روسیه افزایش می‌داد (Kozhanov, 2018: 18). روسیه با تاکتیک همکاری و جلب سرمایه‌گذاری‌های کشورهای عربی که منافع متضادی در ظاهر در حوزه انرژی در بازار جهانی داشتند، به گسترش روابط با آن‌ها در راستای افزایش قدرت توازن درون‌گرا با دیپلماسی فعال اقدام کرد که می‌تواند هم‌زمان توازن برون‌گرا در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی را نیز رقم زند. یکی دیگر از محرکه‌های اقتصادی نفوذ روسیه در خاورمیانه پس از ۲۰۱۲ مربوط به طلبی‌های آن در بازارهای بین‌المللی انرژی به‌ویژه گاز است. منطقه خاورمیانه نقش مهمی در اجرای استراتژی انرژی روسیه تا سال ۲۰۳۰ ایفا می‌کند^۱ (Ministry of Energy of the Russian Federation, 2010). اقدامات روسیه در خاورمیانه با راهبرد بلندمدت آن‌ها به‌منظور توسعه بخش نفت و گاز تعیین می‌شود بر این اساس سیاست خارجی توسعه‌طلبانه و تهاجمی روسیه در راستای تأمین و تضمین و سودآوری شرکت‌های گاز روسیه گازپروم است. در اسناد دولتی روسیه بیان شده که اهداف نهایی روسیه حفظ حضور شرکت‌های گاز در بازار اروپا و افزایش چندبرابری صادرات گاز به شرق (آسیا و خاورمیانه) است.

منظور از شرق کشورهای آسیایی چون پاکستان است. سرانجام اینکه صادرکنندگان گازی خاورمیانه موقعیت روسیه را در بازار جهانی انرژی به‌چالش می‌کشند. ایران قصد خود را برای رقابت با روسیه به‌عنوان تأمین‌کننده گاز اتحادیه اروپا پنهان نکرده است. ایران فعلاً در کوتاه‌مدت نمی‌تواند منافع روسیه را در بازار جهانی انرژی به‌چالش بکشد. مسکو همچنان خود را برای زمانی آماده می‌کند که چنین امکانی واقعی تر باشد (Kozhanov, 2017). در همین راستا، هدف اصلی ورود روسیه به سوریه نیز تنها ثبات منطقه و مردم دمشق نبوده، بلکه مسکو می‌خواهد موقعیت خود را در رویدادهای آینده در شامات و مدیترانه شرقی حفظ کند و در این مسیر سوریه نقطه ورود به مدیترانه بود.^۲ کشف مایع هیدروکربنی در شرق مدیترانه رقابت‌های انرژی میان ترکیه، سوریه، لبنان، مصر و اسرائیل را افزایش داده است. لذا تقویت حضور روسیه در سوریه (لبنان) پر معناست.

شرکت‌های نفت و گاز روسیه حتی پیش از عملیات نظامی روسیه در سوریه در شرق مدیترانه منافع داشتند. چندین قرارداد از سوی شرکت‌های نفت و گاز زیرساختی پیش از سال ۲۰۱۱ با سوریه و لیبی

1. http://www.energystrategy.ru/projects/docs/ES-2030_%28Eng%29.pdf (Energy Strategy of Russia for The Period to 2030) 2010.

2. Testimony for Assistant Secretary Wess Mitchell House Foreign Affairs Committee Hearing on "U.S. Policy Toward a Turbulent Middle East" April 18, 2018.

امضا شده بود که به دلیل جنگ و حمایت ایالات متحده از سیاست «سرنگونی رژیم‌های نامطلوب» مختل شد (Ruslan, 2021). در همین رابطه، در ۱۶ آوریل ۲۰۲۱ نیز در سفر سعد حریری نخست‌وزیر لبنان به مسکو قراردادی در زمینه ایجاد ایستگاه تولید برق، انرژی با پوتین منعقد شد. این امر نشان از منافع روسیه در لبنان و سوریه و شرق مدیترانه دارد (Astakhov, 2021) در مجموع به نظر می‌رسد، هدف راهبردی روسیه در خاورمیانه و شمال آفریقا، تسلط بر منابع انرژی منطقه و مسیرهای انتقال آن به اروپا و محروم کردن دیگر کشورها از مزیتشان در حوزه انرژی از جمله ایران و قطر و یگانه‌سازی در این حوزه است. پیش‌تر نیز در سال ۲۰۰۱ روسیه در هماهنگی با سه بازیگر عمده گازی ایران، قطر و الجزایر اقدام به ایجاد سازمانی شبیه سازمان کشورهای صادرکننده نفت اوپک (مجمع کشورهای صادرکننده گاز)^۱ کردند. مهم‌ترین هدف روسیه در حوزه انرژی در خاورمیانه را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

- یافتن بازارهای جدید برای نفت و گاز؛
 - جذب سرمایه‌گذاری برای اقتصادی که سرمایه آن تحت تحریم غرب فلج شده است؛
 - همکاری با دیگر صادرکنندگان انرژی به منظور ایجاد ثبات در قیمت جهانی نفت؛
 - تضعیف تلاش‌های اروپا برای تنوع‌بخشی به منابع گازی خود؛
 - کمک به روسیه برای تحویل بیشتر نفت و گاز به آسیا (Rauf Mammadov, 2018).
- روسیه در راستای رویکرد چندگانه خود و بازی با همه بازیگران دولتی و غیردولتی در خاورمیانه در راستای ایجاد توازن اقتصادی با غرب نیز اقدامات متعددی انجام داده است. در همین راستا، روسیه قراردادهای انرژی را با دولت عراق و اقلیم کردستان در اربیل امضا کرده است که اهم بزرگی به مسکو در برابر رقبا از جمله ترکیه که منافع حیاتی با اکراد عراق دارد، فراهم سازد (Blank, 2018). مسکو در حوزه انرژی از سوریه نیز امتیازاتی را در رابطه با دارایی‌ها و خطوط لوله دمشق گرفته است؛ اما قراردادهای روسیه در حوزه انرژی به موارد ذکر شده محدود نمی‌شود. مسکو تلاش‌هایی را نیز برای ورود به اکتشاف ذخایر با مقیاس بزرگ انرژی در شرق مدیترانه به وسیله قبرس، مصر و اسرائیل داشته و قراردادهای متعددی نیز با ایران در این زمینه امضا کرده است. گزارش‌های تأیید نشده‌ای نیز از قراردادهای ۵۰ میلیارد دلاری با روس‌نفت وجود دارد.^۲ در جدول ۳، مهم‌ترین قراردادهای انرژی روسیه در خاورمیانه و شمال آفریقا نشان داده شده است.^۳

1. Gas Exporting Countries Forum (GECF)

2. <https://neftegaz.ru/en/news/view/173310-Russiaready-2018>.

3. Source: European Parliament Think Tank <https://www.europarl.europa.eu/thinktank>.

جدول (۱). قراردادهای بخش انرژی گاز و نفت روسیه در خاورمیانه (منبع: گروه اندیشکده پارلمان اتحادیه اروپا)

| کشور | ماهیت همکاری | ارزش قرارداد | سال قرارداد |
|----------------------|---|--|-------------------------------------|
| مصر | خرید سهام میدان گازی زهر مصر از سوی روسنف | بیش از ۲ میلیارد دلار | نوامبر ۲۰۱۷ |
| ایران | همکاری روسنف و شرکت ملی نفت ایران در پروژه های تهران | ۳۰ میلیارد دلار و احتمال افزایش سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز تا ۵۰ میلیارد دلار | نوامبر ۲۰۱۷ |
| عراق (اقلیم کردستان) | کسب مجوز صادرات نفت کردستان به ترکیه از راه خط لوله و توسعه میدان گازی کردستان | ۱/۸ میلیارد دلار برای خط لوله نفت | ۲۰۱۷ میداین نفتی و ۲۰۱۸ میداین گازی |
| لیبی | کمک روسنف به توسعه مجدد میداین نفتی لیبی | بدون اطلاعات | فوریه ۲۰۱۷ |
| عربستان | مشارکت احتمالی روسنف و شرکت نفت آرامکو عربستان، خرید احتمالی سهام آرامکو | بدون اطلاعات | فوریه ۲۰۱۸ |
| سوریه | حق انحصاری روسیه در تولید نفتی و گاز و اقدام به بازسازی بخش تخریب‌شده انرژی سوریه | بدون اطلاعات | فوریه ۲۰۱۸ |

از سال ۲۰۱۲ میلادی، دولت روسیه به بررسی فرصت‌های تأمین سرمایه‌گذاری‌های نفت و گاز از خلیج فارس بوده است. سیاست آن نه تنها با کنار گذاشتن سرمایه‌گذاری‌های غربی بلکه با تمایل به ادغام صنعت انرژی روسیه در بازار جهانی به جریان افتاد در دسامبر ۲۰۱۶ غول نفتی روسیه روسنف یک قرارداد سرمایه‌گذاری ۵ میلیارد دلاری با قطر منعقد کرد این بزرگ‌ترین قرارداد انرژی این کشور تاکنون با یک کشور شورای همکاری خلیج فارس بوده است. (Champion & Blas, 2016).

روسنف روسیه همچنین با شرکت پترولیوم المبادله امارات نیز در حال نزدیک شدن به یک قرارداد مشترک برای اکتشاف دو میدان نفتی در شرق سبیری هستند.^۱ روسنف روسیه همچنین در دسامبر ۲۰۱۶ با هدف تنوع بخشی به سبد انرژی خود با تمرکز بر خاورمیانه ۳۵٪ از بزرگ‌ترین پروژه گازی طبیعی در دریای مدیترانه در سواحل مصر را به قیمت ۱/۱۳ میلیارد دلار خریداری کرد با توجه به اهمیت مدیترانه به عنوان مسیر اصلی انتقال انرژی روسنف تقویت همکاری با مصر را در شمال آفریقا

1. "Rosneft Signed More than 50 Agreements at St. Petersburg International Economic Forum," Rosneft, (May 24, 2014), retrieved from <https://www.rosneft.com/press/today/item/175533/>.

در اولویت قرار داد (Jewkes & Valentina, 2016). طی یک سال اخیراً تنش‌های ترکیه و کشورهای عضو مجمع گازی مدیترانه بر سر اکتشاف منابع انرژی در شرق مدیترانه افزایش یافته، بنابراین تقویت حضور روسیه در منطقه شرق مدیترانه نشان از توجه مسکو به منابع و مسیرهای انرژی دارد که می‌خواهد در انحصار خودش باشد.

۲-۱-۹. تلاش برای حفظ آخرین پایگاه خود در خاورمیانه و شرق مدیترانه (سوریه) یکی از مهم‌ترین اهداف روسیه در حضور مستقیم در دمشق، حفظ پایگاه دریایی در طرطوس است که در مجاورت ساحل دریای مدیترانه و در نزدیکی لبنان واقع شده است. مطابق با واقع‌گرایی ساختاری والتز، روسیه پایگاه نظامی طرطوس را جزء مهمی از قابلیت‌های مادی‌اش می‌داند. دکترین دریایی روسیه ۲۰۲۰، حضور دائمی نیروی دریایی را در مدیترانه پیشنهاد می‌کند. پایگاه طرطوس، نقطه دریافت برای تسلیحات سلاح روسی است و قادر به اتصال زیردریایی‌های هسته‌ای است (درآینده و احمدی، ۱۳۹۷: ۷۹).

روسیه می‌کوشد سوریه را به عنوان بازیگری «برون‌گرا» که به ایفای نقش منطقه‌ای خود در راستای منافع مسکو مبادرت می‌ورزد، حفظ نماید. سقوط نظام سوریه به معنای ورود ناتو به حیاط خلوت منافع روسیه و تضعیف موقعیت، اعتبار و جایگاه بین‌المللی روسیه در نهایت ناکامی تحقق‌مبانی دکترین امنیت ملی روسیه است (قربانی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین نخستین جلوه‌های موازنه‌گری روسیه در قبال نظم هژمونیک ایالات متحده در خاورمیانه به بحران سوریه بازمی‌گردد. سوریه تنها شریک باقی مانده برای روسیه از دوره اتحاد شوروی در خاورمیانه، میزبان تنها پایگاه برون‌مرزی نظامی روسیه در خارج از محدوده شوروی سابق و تنها پایگاه نظامی این کشور در دریای مدیترانه است (ایوب، ۱۳۹۴: ۸۵). تضعیف و سقوط نظام بشار اسد می‌توانست معادلات توازن قوا در میدان نبرد که با بازیگری گروه‌های ضد سیستمی همراه بود را به نفع آمریکا و غرب تغییر دهد.

۲-۱-۱۰. ایفای نقش فعال قدرت بزرگ در مذاکرات مسائل مهم منطقه

یکی از مهم‌ترین علل ورود روسیه به مسائل خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ را می‌توان تمایل روسیه به ایفای نقش فعال در مذاکرات و نشست‌های بین‌المللی دانست که درباره مسائل مهم خاورمیانه رخ می‌دهد. در همین رابطه روسیه به واسطه سیاست خاورمیانه‌ای خود در پی این است که به آمریکا و اتحادیه اروپا نشان دهد که مسکو نقش حیاتی را در حل و فصل مسائل موجود روابط بین‌الملل بازی می‌کند. درگیری‌ها در خاورمیانه فرصت‌هایی را برای روسیه در اثبات هدف مزبور ایجاد کرد. در این رابطه

روسیه برای ایجاد گفتگوهای مؤثر میان ایران و غرب بر سر مسائل برنامه هسته‌ای فعال بوده است. این امر تا حدی غرب را در اهمیت روسیه در منطقه متقاعد کرده بود. نقش مسکو در مذاکرات چندجانبه مسئله هسته‌ای ایران از سوی برخی تحلیل‌گران آمریکایی به‌عنوان یکی از عواملی که فرایند موفقیت روسیه را تضمین می‌کند، نگریسته می‌شود (Maloney, 2014). در همین رابطه در جولای ۲۰۱۵ باراک اوباما طی تماس تلفنی از پوتین به دلیل نقش روسیه در رسیدن به توافق با ایران در قالب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) تشکر کرد (NBC, 2015).

۲-۱-۱۱. احیای پرستیژ روسیه به‌عنوان بازیگر بزرگ

پس از موافقت روسیه با قطع‌نامه ۱۹۷۳ شورای امنیت و حمله ناتو به لیبی در سال ۲۰۱۱، در نتیجه سقوط قذافی تصویر روسیه به رهبری مدودف در خاورمیانه متحمل آسیب‌های سنگینی شد اعتقاد بر این بود که به قذافی خیانت کرده است. پیش‌ترین حمله شوروی به افغانستان یک کشور مسلمان باعث تضعیف جایگاه شوروی به‌عنوان کشور ضد امپریالیسم و استعمار غربی نزد کشورهای عرب منطقه شد که درگیر منازعات ملی‌گرایی، مذهبی و ضد استعماری بودند؛ بنابراین روسیه از سال ۲۰۱۲ در صدد بهبود وجه سیاست خارجی خود نزد حاکمان خاورمیانه برآمد. در همین راستا، دیمیتری ترینین از بنیاد صلح کارنگی، هدف اصلی سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه را دستیابی در به رسمیت شناختن وضعیت ابرقدرتی و قدرت بزرگ بازیابی شده مسکو است (Magen, 2013: 9-10).

در همین رابطه، سرگی لاوروف وزیر امور خارجه، پس از سفرهای خود به کشورهای شوروی همکارای خلیج فارس و ایران در ماه مارس ۲۰۲۱، توجهات جامعه بین‌المللی را به «مفهوم امنیت جمعی در خلیج فارس» جلب کرد. ابتکار روسیه شامل گفتگوهای چندبعدی بین بازیگران اصلی منطقه خاورمیانه بر سر موضوعات مهم است (Kazanov, 2021). موارد ذکر شده نشان می‌دهند که دلایل اتخاذ موضع مخالف روسیه با تحولات در جهان عرب را باید در قالب رقابت کلان با آمریکا ارزیابی کرد. روس‌ها از یک سو مخالف تحولاتی هستند که به نفوذ ساختاری غرب و گسترش نظام آمریکایی در منطقه خاورمیانه منتهی می‌شود؛ از دیگر سو مقامات کرملین موضوعات و مسائل خاورمیانه را به ابزاری برای گرفتن امتیازاتی از آمریکا در سایر موضوعات تبدیل کرده‌اند تا به مهم‌ترین استراتژی سیاست خارجی خویش در یک دهه اخیر، یعنی بازگشت به قدرتی تأثیرگذار و ایجاد موازنه تحقق بخشد (ترابی، ۱۳۹۱).

سیاست روسیه در خاورمیانه را می‌توان بخش مهمی از استراتژی این کشور برای خروج از انزوای

تحمیلی به وسیله غرب دانست. یکی از مهم‌ترین پایه‌های این استراتژی برقراری ارتباط مثبت با تمامی بازیگران و ایفای نقش در بسیاری از رویدادهای منطقه‌ای است. مداخله‌گری روسیه در خاورمیانه نیز تا حدود زیادی برآمده از همین گرایش است (رشیدی، ۱۳۹۵: ۲۵۳-۲۵۴). در مجموع، همان‌طور که کنت والتز تأکید می‌کند، راهبرد کشورها برای مقابله با تلاش رقیبان برای افزایش قدرتشان موازنه‌سازی است کشورهایی که احساس تهدید می‌کنند. موازنه‌سازی درون‌گرا، یعنی تقویت توانایی خود، یا موازنه‌سازی برون‌گرا، در چارچوب ائتلاف‌های نظامی به مقابله با کشورهای برهنه‌زنده موازنه‌قوا می‌پردازند (Waltz, 1979: 126-128).

۳. بخش سوم: ویژگی‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های سیاست خاورمیانه‌ای روسیه

پس از بررسی مهم‌ترین عوامل افزایش نقش و حضور روسیه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) پس از تحولات ۲۰۱۱ در بخش دوم مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه بررسی خواهد شد که یکی از پیشران‌های اصلی موفقیت مسکو در منطقه بوده است. در بخش سوم بسترها و شرایط تسهیل حضور مسکو در خاورمیانه بررسی می‌شود و در نهایت چالش‌های حضور مسکو در منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) نیز بخش پایانی را تشکیل می‌دهد.

۳-۱. عمده ویژگی‌های سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه و شمال آفریقا

سیاست روسیه از سال ۲۰۱۱ هم‌زمان با افزایش تعاملات مسکو با خاورمیانه و شمال آفریقا دارای برخی ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- اتخاذ رویکرد غیر ایدئولوژیکی و سکولار در برقراری روابط سیاسی، اقتصادی و فروش تسلیحات به بازیگران منطقه؛
- رویکرد انعطاف‌پذیر، کوتاه‌مدت، تعامل‌گرا و همکاری‌جویانه روسیه؛
- عدم دخیل کردن ارزش‌های حقوق بشری را در فروش تسلیحات و تعاملات سیاسی؛
- عدم تعهد صریح به بازیگران منطقه (Wasser, 2019).
- برقراری روابط چندگانه به همه بازیگران منطقه براساس نوع روابط راهبردی، مشارکتی و همکاری‌جویانه.

درواقع آنچه روسیه در بحران سوریه و پس از آن در خاورمیانه اتخاذ کرد، به گفته لاوروف دیپلماسی شبکه‌ای بود؛ یعنی سیاستی که بر مشارکت‌های ویژه با بازیگران مختلف دولتی و غیر دولتی متمرکز است بدون اینکه ایدئولوژی، جهان‌بینی سیاست‌های بازیگران مزبور زیر سؤال برود و مادامی که

منافع روسیه را نیز زیر پا نگذارد (Blank, 2018: 4).

- اتخاذ رویکرد پراگماتیسم (عمل‌گرایی) در زیرمناطق سه‌گانه خلیج فارس، شامات و آناتولی و شمال آفریقا؛

- تأکید بر دستاوردهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی در تعامل با طیف وسیعی از بازیگران (Wasser, 2019). در مجموع می‌توان رویکرد نوین سیاسی خارجی روسیه به خاورمیانه را پس از تحولات ۲۰۱۱ در منطقه‌ی منا، به منابع و فرصت‌های موجود منطقه وابسته دانست که به‌طور مستقل به دنبال امتیازات امنیتی، سیاسی و اقتصادی در کوتاه‌مدت و هم‌زمان در پی کاهش توان رقبای خود به‌ویژه آمریکا در منطقه است.

۲-۳. فرصت‌ها و بسترها در فضای پسا ۲۰۱۱ در منطقه برای روسیه

۲-۳-۱. بهره‌برداری و استفاده از فرصت‌ها و اشتباهات غرب

رهبران خلیج فارس پیرو تحولات سال ۲۰۱۱ و خیزش مردمی از نوع واکنش دولت اوپاما ابراز ناراحتی کردند. نوع تعامل آمریکا با کشورهای منطقه منجر به از بین رفتن تعهد امنیتی آمریکا شد و واشنگتن از فروش تسلیحات به مصر و بحرین به دلیل ملاحظان حقوق بشر دوستانه امتناع ورزید در نتیجه کشورهای همچون مصر و بحرین به امضای توافق‌نامه فروش سلاح با روسیه تشویق شدند در تعلیق فروش سلاح به مصر السیسی از سوی آمریکا نیز مسکو خود را به‌عنوان جایگزین تأمین‌کننده تسلیحات معرفی کرد؛ همچنین کنار گذاشتن امارات در طرح تولید جنگنده از F35 از سوی آمریکا نیز منجر به انعقاد قرارداد مشارکت امارات با روسیه در ساخت نسل پنجم جنگنده شد. انعقاد قرارداد فروش تسلیحات روسیه با عربستان و قطر و ترکیه و تحویل سامانه پدافند اس ۳۰۰ و اس ۴۰۰ به ایران از جمله فرصت‌هایی بود که در زمینه بازار تسلیحات روسیه از آن بهره برد (Wasser, 2019).

۲-۳-۲. ایجاد توازن درون و برون‌گرا به‌طور هم‌زمان

بهره‌گیری روسیه از سرمایه‌گذاری‌های اعراب در صنایع داخلی و اقتصاد خود برای دورزدن تحریم‌ها یکی از فرصت‌هایی بود که روسیه در راستای افزایش مقدرات ملی (احیای اقتصادی) و کاهش محذورات بین‌المللی به‌منظور حضور بلندمدت در خاورمیانه از آن بهره برد. تعاملات سیاسی، اقتصادی و امنیتی روسیه با کشورهای منطقه نشان از درک رهبران مسکو از ظرفیت‌ها و نیازهای خود و ظرفیت‌ها و نیازهای بازیگران خاورمیانه دارد؛ بنابراین روسیه از دارایی‌های خود از جمله (قدرت سیاسی حق و تو در شورای امنیت)، جایگاه ویژه در انرژی (ذخایر قابل توجه نفت و گاز)، قدرت نظامی و فروش

سلاح‌های راهبردی اس ۳۰۰ و ۴۰۰، دانش فناوری هسته‌ای، معرفی خود به‌عنوان قدرت جایگزین آمریکا، سعی در افزایش نفوذ خود در خاورمیانه در قالب راهبرد موازنه چندوجهی/چندبرداری دارد تا ضمن ایجاد توازن درون‌گرا هم‌زمان به توازن برون‌گرا حضور بلندمدتی در منطقه داشته باشد.

۳-۲-۳. بهره‌گیری از بازیگران غیر دولتی (حزب‌الله) به‌منظور ایجاد توازن قوا

کنش گران منطقه آسیای غربی، به‌ویژه قدرت‌های مداخله‌گر، در صدد به‌کارگیری راهبردهای تجزیه و ترکیب و ایجاد موازنه مطلوب با استفاده از قدرت هوشمند از راه اتحاد و ائتلاف در سطوح مختلف هستند؛ که در این میان گروه‌های ضدسیستمی نیز حضور دارند. از سوی دیگر در بحران کنونی منطقه آسیای غربی «جنگ نیابتی» در این میان روسیه و تا حدی چین و ایران، به‌عنوان واحدهای تجدیدنظرطلب در سطوح جهانی و منطقه‌ای، در اتحاد با گروه‌های ضدسیستمی تدافعی یا مقاومتی مانند حزب‌الله لبنان، گروه‌های فلسطینی و حوثی‌های یمن، از طی طرف و ایالات متحده و متحدین منطقه‌ای آن، یعنی عربستان و رژیم صهیونیستی، در اتحاد با گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی مانند ازتاش آزاد سوریه، داعش، جبهه النصره، القاعده و جیش الفتح، از طرف دیگر در صدد تغییر ساخت موازنه قدرت منطقه‌ای و ایجاد تعادل مطلوب خود هستند. (قاسمی و عین‌الهی معصوم، ۱۳۹۵: ۱۳۲)؛ در همین راستا، روسیه با افزایش تعاملات راهبردی با واحدهای درجه اول ایران در لایه اول و عراق درجه دوم منطقه‌ای و سرانجام لایه سوم گروه‌های ضدسیستمی تدافعی (حزب‌الله و حشد الشعبی) اقدام به ایجاد توازن در برابر گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی داعش و... تحت حمایت غرب در شرایط سیستم جنگ نیابتی نامتقارن منطقه آسیای غربی کرد.

۳-۲-۴. آزمایش سلاح‌های نظامی نوین خود و قابلیت‌های گروه واگنر

بحران سوریه و ورود روسیه به آن در سال ۲۰۱۵، فرصت خوبی برای آزمایش سلاح‌های نوین روسی فراهم کرد؛ از سوی دیگر مسکو از سیاست‌های نظامی خود در چین، افغانستان و کریمه بهره می‌برد؛ بنابراین این کشور استقرار یک نیروی انعطاف‌پذیر کوچک^۱ را بر مداخله سنگینی مانند آنچه در کابل اتفاق افتاد، ترجیح داد. آنچه باعث مداخله روسیه در موفقیت اسد نظامی شد، هماهنگی ارتش روسیه با دوهزار پیمانکار خصوصی نیرومند نظامی که به‌طور عمده به گروه واگنر معروف بودند و شبه‌نظامیان مختلف حامی اسد را قادر ساخت تا به نیروهای جنگجوی قابل اعتماد تبدیل شوند (Roussosm, 2020: 543). تاکتیک روسیه در واقع به‌گفته کلازویتس استفاده از نیروهای کوچک نظامی و جنگ‌های

محدود در راستای دستیابی به مزیت و دستاورد بزرگ سیاسی بود.

۳-۲-۵. نیاز کشورهای خاورمیانه به دانش فناوری هسته‌ای و بهره‌گیری روسیه از

دارایی هسته‌ای

یکی از حوزه‌های مهم در زمینه انرژی در شمال آفریقا و خاورمیانه ورود روسیه به بخش فناوری هسته‌ای غیر نظامی است. تفاهم‌نامه‌ها و موافقت‌نامه‌های زیادی در زمینه پروژه‌های هسته‌ای میان روسیه و کشورهای منطقه به امضا رسیده است؛ برای نمونه در سپتامبر ۲۰۱۶ در بوشهر مسکو با ایران در حال همکاری برای ساخت دو راکتور دیگر است. کشورهای نفتی و غیر نفتی خاورمیانه اهداف جاه‌طلبانه‌ای در راه رسیدن به انرژی هسته‌ای دارند و در این زمینه با روس اتم مسکو تماس‌هایی داشته‌اند. مسکو صنعت هسته‌ای خود را به عنوان ابزاری مؤثر و کارآمد در سیاست خارجی درک می‌کند. طی سال‌های اخیر روس اتم بازاریابی قابل توجهی در خاورمیانه داشته است. در همین راستا، اولین دفتر منطقه‌ای روس اتم در دبی امارات در سال ۲۰۱۶ افتتاح شد. عربستان سعودی نیز برنامه‌های بلندپروازانه‌ای برای ساخت ۱۶ راکتور هسته‌ای تا سال ۲۰۳۲ دارد. روسیه و مصر نیز توافقاتی را برای ساخت نیروگاه هسته‌ای در منطقه دعبا در سال ۲۰۱۵ امضا کردند (Barmin, 2017: 135).

جدول (۲). پروژه‌های نیروگاه هسته‌ای روسیه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) ۲۰۱۸ (منبع: سیاست‌های روسیه در منطقه منا پوتی).^۱

| کشور | تعداد پروژه | سال | میلیارد دلار | مگاوات |
|---------------|-------------|-----------|--------------|--------|
| ایران (بوشهر) | ۲/۱ | ۲۰۱۱-۲۰۱۶ | - | ۱۰۰۰ |
| مصر (الدعبا) | ۱ | ۲۰۱۵-۲۰۲۴ | ۳۰ | ۴۸۰۰ |
| الجزایر | ۱ | ۲۰۲۵ | - | - |
| ترکیه | ۱ | ۲۰۱۸ | - | - |
| اردن | ۱ | -- | - | - |

۳-۲-۶. روابط منازعه‌آمیز بازیگران خاورمیانه و افزایش سهم بازار تسلیحات روسی در

منطقه

فروش اسلحه نقش مهمی در اقتصاد روسیه ایفا می‌کند. افزایش تقاضای بین‌المللی و داخلی برای سلاح، صنعت تسلیحات روسیه را به بخشی مهم و استراتژیک تبدیل کرده که از راه آن روسیه می‌تواند بیشتر در اقتصاد جهانی ادغام شود (Connolly & Sendstad, 2017). محیط آشوب خاورمیانه و روابط

1. Source: Laszlo Poti (2018), Russian Policies Towards The Mena Region

منازعه آمیز کشورهای خاورمیانه درگیر در منازعات هویتی و ژئوکالچری جنگ سردی این فضا را برای نقش آفرینی امنیتی مسکو فراهم ساخته است.

در این میان، یکی از اهداف مسکو در یک دهه گذشته توجه به بازار تسلیحاتی در سه زیرمنطقه خاورمیانه (خلیج فارس، شامات و شمال آفریقا) به عنوان ابزار و منبعی به منظور درآمدزایی برای اقتصاد روسیه و نفوذ در معادلات امنیتی منطقه بوده است. اتحاد جماهیر شوروی پیش‌تر، خود را به عنوان تأمین‌کننده اصلی سلاح برای بسیاری از کشورهای منطقه به‌ویژه الجزایر، مصر، لیبی، عراق، سوریه و یمن تحمیل کرده بود. در سال ۲۰۰۷ مسئول سرویس فدرال همکاری‌های فنی و نظامی (همکاری تسلیحاتی و فروش اسلحه) روسیه اعلام کرده بود «مسکو در حال بازگشت به منطقه عربی است که از دهه ۱۹۹۰ به آن توجهی نکرده است» (RIA Npvesti, 2007). روسیه از سال ۲۰۰۰ به دنبال بازپس‌گیری یا توسعه بازارهای قدیمی خود بوده است (Interfax, 2007). بدهی کشورهای سوریه، الجزایر و لیبی به روسیه تا حدی با خرید تسلیحات روسی جبران شده است. در واقع بدهی لیبی در سال ۲۰۰۸ (چهار میلیارد دلار در زمان سفر پوتین به طرابلس) نیز باید با تمدید صادرات تسلیحات روسیه با این کشور انجام می‌شد. (Facon, 2017: 25) در واقع تاکتیک روسیه برای توسعه بازار تسلیحاتی خود، بخشیدن بخشی از بدهی کشورهای منطقه مناد را از ای تمدید خرید تسلیحاتی با انعقاد قراردادهای جدید همراه است. اگرچه بعد ایدئولوژیکی که در طول جنگ سرد رایج بود و باعث می‌شد روسیه کمک‌های مالی انجام دهد یا تسلیحات را با قیمت‌های تخفیف تنها به متحدان منطقه‌ای خود بفروشد. یکی از تاکتیک‌های دیپلماسی روسیه در خاورمیانه در راستای گسترش بازار تسلیحاتی، بخشودگی بدهی شرکا و بازیگرانی که تازه به روسیه نگاه مثبت یافتند، بود؛ برای نمونه روسیه در سال ۲۰۰۵ با تجدید ساختار بدهی سوریه به اتحاد جماهیر شوروی بالغ بر چهارده میلیارد دلار موافقت کرد و حدود سه‌چهارم از آن را در ازای عقد قرار داد جدید با تاجران روسی بخشید. در همین راستا، روسیه بدهی الجزایر را به ارزش ۴/۷ میلیارد دلار بخشید و هم‌زمان با الجزایر قراردادهای مهم خرید تسلیحات روسی امضا کرد (Kuimova, 2019: 5).

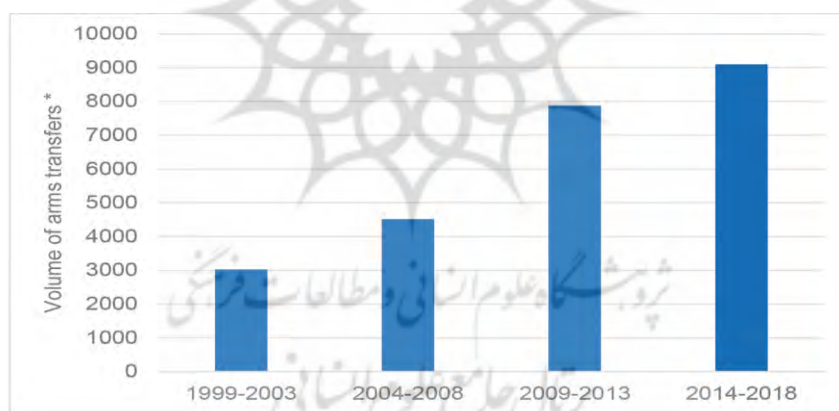
جدول (۳). بخشش بدهی‌های کشورهای خاورمیانه از سوی روسیه^۱

| | | |
|------|------------------|---------|
| ۲۰۰۵ | ۹/۸ میلیارد دلار | سوریه |
| ۲۰۰۶ | ۴/۷ میلیارد دلار | الجزایر |
| ۲۰۰۸ | ۱۲ میلیارد دلار | عراق |
| ۲۰۰۸ | ۴/۵ میلیارد دلار | لیبی |

1. Source: Aron (2019) p13.

بنابراین امروز این محدودیت ایدئولوژیکی وجود ندارد و به نوعی می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست خارجی روسیه از سال ۱۹۹۱ به‌ویژه از سال ۲۰۱۱ به‌طور عملی و فعال، غیر ایدئولوژیکی شدن آن در قبال خاورمیانه است. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه، انعطاف‌پذیری آن است. مسکو با استفاده از همین ویژگی در راستای افزایش بازار تسلیحاتی در منازعات داخلی کشورها با فراهم‌ساختن سلاح به یک‌طرف هم‌زمان به عنوان میانجی‌گری و تسهیل‌کننده گفت‌وگو برای هر دو طرف در همان درگیری مطرح می‌شود. در مراکش و در سال ۲۰۱۲ در عراق در تعامل با دولت بغداد و دولت اقلیم کردستان^۱ در اربیل با هر دو طرف بازی کرد (Blank, 2018). مسکو قادر است به‌طور هم‌زمان به ایران و بحرین سلاح بفروشد. با وجود تنش سیاسی دو کشور در منطقه خاورمیانه و این ناشی از رویکرد غیر ایدئولوژیک و منفعت‌محور مسکو است.

روند افزایش مداوم فروش تسلیحات روسیه به کشورهای خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ آغاز شد و در سال ۲۰۱۵ به ۳۶٪ از اقلام نظامی تحویلی روسیه در جهان به منطقه خاورمیانه تعلق گرفت و بدین ترتیب کشورهای خاورمیانه به بزرگ‌ترین مصرف‌کننده تسلیحات روسی در جهان و بازار مسکو تبدیل شدند.



شکل (۱). میزان تجارت تسلیحات روسیه از سال ۱۹۹۹ به خاورمیانه^۲

از جمله نتایج رویکرد غیر ایدئولوژیک روسیه و معرفی خود به‌عنوان متحد جایگزین برای کشورهای منطقه با فروش تسلیحات پیشرفته به بازیگران منطقه نتایج ملموسی را داشته است به‌شکلی که پس از سقوط دولت اشرف غنی و حاکمیت طالبان در آگوست ۲۰۲۱ و خروج آمریکا از کابل،

1. Kurdistan Regional government (KRG)

2. Source: SPIRI Arms Transfer Database, 2019

عربستان که پیش‌تر قراردادهای مالی، نظامی و هسته‌ای با روسیه منعقد کرده بود، اقدام امضای توافق‌نامه نظامی با روسیه در ۲۴ آگوست ۲۰۲۱ کرد.

۴. چالش‌های سیاست خارجی روسیه برای حضور بلندمدت در منطقه خاورمیانه

با وجود توسعه تعاملات چندگانه روسیه در منطقه خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ تاکنون در عرصه‌های مختلف سیاسی، امنیتی و اقتصادی و... وجود برخی چالش‌ها می‌تواند موانع مهمی در حضور بلندمدت مسکو در خاورمیانه باشد مهم‌ترین آن موانع عبارت‌اند از:

سرمایه‌گذاری اعراب خلیج فارس اگرچه فرصت خوبی برای احیای توان اقتصادی مسکو ایجاد می‌کند ولی این امر می‌تواند از سوی اعراب به اهرم فشار علیه روسیه نیز استفاده شود باشد تا اعضای شورای همکاری خلیج فارس مسکو را وادار به انطباق با اولویت‌های سیاسی خود در منطقه کنند؛ بنابراین مسکو نیازمند کاهش وابستگی اقتصاد خود به سرمایه خارجی دانست (Wasser, 2019). در همین رابطه می‌توان به تصمیم قطر بر کاهش سهم خود را از شرکت روسنف روسیه و فروش آن به چین اشاره کرد (Kozhanov, 2018: 18)

۱- روسیه نیازمند اصلاحات اساسی در اقتصاد داخلی است در غیر این صورت مسکو قادر به توسعه یا حتی حفظ سطح فعلی تعاملات سیاسی و نظامی خود در خاورمیانه نخواهد بود. از جمله مشکلات اقتصادی روسیه می‌توان به وابستگی اقتصاد این کشور به نفت، تحریم غرب بر سر مسئله اوکراین از سال ۲۰۱۴ است.

۲- مهم‌ترین ضعف دستگاه سیاست خارجی مسکو در راستای کسب وجهه و پرستیژ، ضعف دیپلماسی عمومی و قدرت نرم مسکو یکی دیگر از چالش‌های این کشور در سیاست خارجی است. در همین رابطه با وجود اینکه روسیه شبکه روسیا الیوم را برای منطقه راه‌اندازی کرد، ولی تنها ۲۰٪ از جوانان منطقه روسیه را متحد خود می‌دانند (Wasser, 2019).

۳- از سوی دیگر درگیر کردن و تعامل چندگانه با بازیگرانی که منافع آن‌ها در تقابل با یکدیگر است، در منطقه‌ای همچون عربستان، ایران و اسرائیل و حفظ این روابط دشوار خواهد بود. برای نمونه حادثه آرامکو و جنگ نیابتی تهران و ریاض در یمن و حمایت مسکو در تهران موجبات تغییر رویکرد عربستان را در پی خواهد داشت. در همین راستا، روسیه در سال ۲۰۱۸ کوشید تا نفوذ نظامی ایران در سوریه را محدود کرده و پروژه‌های مختلف اقتصادی ایران در رابطه با استخراج فسفات، شبکه‌های تلفن همراه و اکتشاف گاز را کنترل کند (Sinjab, 2018).

همان‌طور که عربستان سیاست بازدارندگی شبکه‌ای را نیز علیه جمهوری اسلامی ایران در

حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی امنیتی از سال ۲۰۱۱ به اجرا می‌گذارد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی شد ابتدا مهم‌ترین عواملی که در افزایش نقش روسیه پس از تحولات ۲۰۱۱ در منطقه خاورمیانه در یک دهه اخیر تأثیر گذار بودند بررسی شود؛ نگارنده معتقد است افزایش نقش روسیه در قالب قدرت فرامنطقه‌ای و مداخله‌گر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در راستای ایجاد موازنه قوا با ویژگی چندوجهی - چندبرداری^۱ در ابعاد ساختار قدرت نظام بین‌المللی، ژئوپلیتیکی و امنیتی در خاورمیانه پس از وضعیت آشوب ۲۰۱۱ صورت پذیرفت که در صورت عدم حضور مسکو در بحران سوریه، توازن قدرت در ساختار نظام بین‌الملل و مؤلفه‌های قدرت در سطح منطقه‌ای (منابع، متحدان/شرکا، قلمرو نفوذ) به شکل دومینووار به سمت غرب و آمریکا سوق می‌یافت. مهم‌ترین عوامل تأثیر گذار در افزایش حضور روسیه در خاورمیانه پس از ۲۰۱۱ را در مواردی همچون نگرانی روسیه از برهم خوردن توازن قوا در اختیار نظام بین‌الملل، نفوذ و گسترش اسلام رادیکال در منطقه قفقاز شمالی، تهدیدهای تروریستی در منطقه مجاور جغرافیایی با خاورمیانه، تلاش برای افزایش توان اقتصادی در همکاری با کشورهای دارای انرژی نفت و گاز، جلوگیری از شکست ژئوپلیتیکی با تاکتیک تغییر رژیم واشنگتن، شکست تحریم‌های اروپا که از سال ۲۰۱۴ بر سره بحران کریمه اعمال شده بود و گسترش بازار تسلیحاتی خود و ایفای نقش قدرت بزرگ و معرفی خود به عنوان جایگزین قابل اعتماد به جای آمریکا خلاصه کرد.

نکته دیگر که باید اشاره کرد، مربوط به حضور روسیه در منطقه است که تحت تأثیر بسترها و محرکه‌هایی امنیتی، سیاسی و اقتصادی موجود در منطقه تسهیل شد؛ از جمله این بسترها و شرایط ابتدا ویژگی سیاست خارجی روسیه بود که شانس موفقیت آن را در تعامل با کشورهای منطقه بالا برد؛ از جمله این ویژگی‌ها اتخاذ رویکرد غیرایدئولوژیکی و سکولار در برقراری روابط سیاسی، اقتصادی و فروش تسلیحات به بازیگران منطقه؛ رویکرد جهت انعطاف‌پذیر، کوتاه‌مدت و تعامل‌گرا و همکاری جویانه با کشورهای منطقه و عدم تعهد صریح اشاره کرد؛ از سوی دیگر شرایط مهم خارجی همچون اشتباهات کشورهای غربی در عدم حمایت سیاسی و تسلیحاتی از حکام برخی کشورها و کنار گذاشتن آن‌ها از طرح‌های نظامی، نیاز کشورهای منطقه به حمایت سیاسی و نظامی و وجود گروه‌های نیابتی مقاومتی در منطقه و بهره‌گیری همه از آن‌ها در راستای توازن قوا در خاورمیانه برای

روسیه مسیر را هموار کرد.

در مجموع روسیه برای حضور بلندمدت در خاورمیانه و شمال آفریقا نیازمند برطرف کردن برخی مشکلات در سیاست خارجی و مقدرات ملی خود است. اگر روسیه بخواهد راهبرد جامع و بلندمدتی را در خاورمیانه دنبال کند، محدودیت‌های قابل توجهی برای دستیابی به آن وجود دارد. روسیه به‌طور بالقوه فاقد قدرت اقتصادی برای حفظ استراتژی بلندمدت است. توجه به قدرت نرم در دستگاہ دیپلماسی روسیه، مدیریت تعامل چندگانه با بازیگران اصلی منطقه از جمله اسرائیل، عربستان، ترکیه و مصر که در برخی حوزه‌ها دارای منافع متعارض با یکدیگر هستند، می‌تواند در حضور بلندمدت روسیه در منطقه رهگشا باشد. باید منتظر ماند و شاهد نوع رفتار روسیه در قبال بحران افغانستان و حاکمیت طالبان که تهدیدی برای امنیت حیاط‌خلوت روسیه است، بود که آمریکا با هدف تحدید نفوذ چین، روسیه و ایران و مهار این سه کشور از راه گسترش زیرمناطق بحرانی^۱ تدارک دیده است. افکار عمومی روسیه گرچه در بحران سوریه مدیریت شد، ولی تکرار اشتباه شوروی و ورود مجدد به بحران افغانستان موجبات نارضایتی افکار عمومی داخلی را در سطح ملی پدید خواهد آورد؛ هرچند پوتین مداخله نظامی روسیه در کابل را در حال حاضر در برنامه سیاست خارجی خود ندارد.

منابع

- احمدی، حمید؛ درآیند، روح‌الله (۱۳۹۷)، «سیاست روسیه در بحران سوریه و پیامدهای آن بر منافع ملی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره یازدهم، شماره ۴۴، ۷۹.
- ایوب، محمد (۱۳۹۴) *خاورمیانه: از فروپاشی تا نظم یابی*، ترجمه مهدی زیبایی و سجاد بهرامی مقدم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برچیل، اسکات؛ لینکلتر، اندی؛ دانلی، جک؛ ماتیو پترسن (۱۳۹۱). *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح‌الله طالی، تهران: میزان.
- پایابانو، پل ای. (۱۳۹۲) *قدرت‌های بزرگ و نظم‌های منطقه‌ای: امکانات و چشم‌اندازهای پس از جنگ سرد*، در دیوید لیک و پاتریک مورگان، *نظم‌های منطقه‌ای: امنیت سازی در جهانی نوین*، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ترابی، قاسم (۱۳۹۱) «رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی در تحولات جهان عرب و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه دفاع مقدس، دوره اول، شماره ۲، ۱۶۷.
- چگنی‌زاده، غلامعلی (۱۳۹۲)، «موازنه قوا و روابط راهبردی چین با ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه روابط خارجی، دوره پنجم، شماره ۴۰، ۲۳۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ مرادی، منوچهر (۱۳۹۴) «آمریکا و روابط جمهوری اسلامی ایران - فدراسیون روسیه»،

- فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۱، شماره ۸۹، ۱۳۰
- رستمی، محمدرضا (۱۳۹۴)، «جریان‌ات افراطی و تکفیری در منطقه و راهکارهای مقابله با آن‌ها با توجه به نقش خاورمیانه‌ای روسیه»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۲۹، شماره ۱، ۱۰۹-۱۱۲.
- رشیدی، احمد (۱۳۹۵)، «رهیافت‌های متعارض در سیاست خارجی روسیه»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۹، شماره ۲، ۲۵۳-۲۵۴.
- سجادپور، سید محمدکاظم؛ آخشی، مسعود (۱۳۹۹)، «علل شکل‌گیری گروه‌های ضد سیستمی در روابط بین‌الملل مطالعه موردی خاورمیانه (داعش)»، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، دوره پنجم، شماره ۱۵، ۶-۵.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۵)، «نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک خاورمیانه»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره دوازدهم، شماره ۱، ۱۰۵.
- سهرابی، محمد (۱۳۹۳) «سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه»، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۷، شماره ۲۵، ۱۱۵.
- سیفی، عبدالحمید؛ پورحسین، ناصر (۱۳۹۵)، «موازنه همه‌جانبه و ائتلاف‌سازی عربستان در قبال جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دوره ۸، شماره ۲۶، ۸۶.
- شهرکی، ماهرخ؛ حسن راجی، محمد مهدی؛ طوسی، مهدی (۱۳۹۸)، «رویکرد روسیه در قبال نظم امنیتی خاورمیانه (۲۰۱۸-۲۰۱۰)»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره چهاردهم، شماره ۴۸، ۵۳.
- قاسمی، فرهاد؛ جمشیدی، محمدحسین؛ محسنی، سجاد (۱۳۹۷)، «عربستان سعودی و بازدارندگی شبکه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره سی و یکم، شماره ۳، ۱.
- قاسمی، فرهاد؛ عین‌الهی معصوم، بهرام (۱۳۹۵)، «نقش و کارکرد گروه‌های ضد سیستمی در سیستم کنترل نظم منطقه آسیا غربی (موازنه قدرت، بازدارندگی، وادارندگی)»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، دوره چهارم، شماره ۲، ۱۳۲.
- قربانی، مصطفی (۱۳۹۲) «مروری بر مبانی حمایت روسیه از سوریه» خبرگزاری فارس، قابل دسترسی در: <https://www.farsnews.ir/news/13920807000422>
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۴)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹)، «سیاست خارجی هجومی روسیه و موازنه استراتژیک اروپایی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۲، ۱۸۱-۱۹۶.
- لطیفی پاکده، لطفعلی (۱۳۸۸)، اسلام و روابط بین‌الملل، چاپ اول، تهران: زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق (ع).
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۲)، «تحلیل رهیافت موازنه قدرت در نظم‌های منطقه‌ای: هویت‌گرایی در برابر ساختارگرایی»، فصلنامه راهبرد دوره بیست دوم، شماره ۶۷، ۱۶۵.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۰)، «تحلیل سیاست موازنه قدرت ایران در رهیافت رئالیستی و نئورئالیستی»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره ۱، ۱۴۷-۱۴۸.

References

Aluwaisheg, A. (2014), "GCC-Russia dialogue and the lost opportunities" The Arab News, 24

- February. <http://www.arabnews.com/news/530266> (accessed 24 August 2021).
- Astakhov, D. (2021), "Enhanced Russian Involvement in Lebanon". www.inss.net.il. Tel Aviv University.
- Barigazzi, J. & Herszenhorn, D. M. (2017), "Russia's Crescent of instability spreads west" www.politics.eu.
- Barmin, Y. (2017), "Russian Energy policy in the Middle East" *Insight Turkey* Vol. 19 / No. 4 / 2017, pp. 125-136.
- Blank, S. & Karasik, T. (2018) "Russia in the Middle East" Published in the United States by The Jamestown Foundation Available at: <https://www.iaii.it/en/publicazioni/russias-foreign-and-security-policy-middle-east-entering-2020s>
- Blank, S. (2018). "Russia's Middle Eastern Position in 2025." *The Jamestown Foundation*, November 20. Assessed 12 August 2021 <https://jamestown.org/program/russias-middle-eastern-position-in-2025/>.
- Connolly, R. & Sendstad, C. (2017, March). Russia's role as an arms exporter: The strategic and economic importance of arms exports for Russia. Chatham House. Retrieved from <https://www.chathamhouse.org/publication/russias-role-arms-exporter-strategic-and-economic-importance-arms-exports-russia>
- Cook, S. (2021), "Major Power Rivalry in the Middle East", Council on Foreign Relations, Center for Preventive Action, March, 2021.
- European Parliament Think Tank https://www.europarl.europa.eu/thinktank/en/document.html?reference=EPRS_BRI%282018%29630293
- FBIS SOV, October 30, (2013), Stephen Blank, "Energy and Russia's High-Stake Game in Iraq". EGS Working paper 2015-2-1, Center for Energy Governance & Security, Hanyang University, 2015.
- In the Middle East, Russia is Reasserting Its Power", *The Economist*, 25 March 2017 <https://www.economist.com/europe/2017/03/25/in-the-middle-east-russia-is-reasserting-its-power>. Assessed 12 August 2021.
- Isabelle, F. (2017), "Russia's quest for influence in North Africa and Middle East" *Du monde arabo-musulman et du sahel*. Published by, Fondation pour la Recherche Stratégique. Source: Laszlo Poti (2018), "Russian Policies Towards The MENA Region" Middle East and North Africa Regional Architecture working papers,
- Kazanov, N. (2021) "Russia and the Issue of a New Security Architecture for the Persian Gulf" <https://blogs.lse.ac.uk/mec/2021/08/04/russia-and-the-issue-of-a-new-security-architecture-for-the-persian-gulf/>
- Kozhanov, N. (2017), "Will Iran challenge Russian interests in European natural gas market?", *Al-Monitor*, 24 July 2021, <http://www.almonitor.com/pulse/originals/2017/02/iran-challenge-russia-interests-europe-natural-gas-market.html> (accessed 20 Dec. 2017).
- Kozhanov, N. (2018), "Russia Policy Across the Middle East Motivations and Methods" *Russia & Eurasia Programme*, Chatham House, the Royal Institute of International Affairs.
- Kuimova, A. (2019), "Russia Arms Export to the Mena region: Trends and Drivers" *EUROMESCO BRIF*, Italian Institute for International Political Studies (ISPI). IEMed.
- Lund, A. (2019) "Russia in The Middle East" : PUBLISHED BY THE SWEDISH INSTITUTE OF INTERNATIONAL AFFAIRS | UI.SE
- Magen, Z. (2013), "Russia and the Middle East: policy Challenge, Institute of National Security Studies (INSS)", Memorandum, No. 127.
- Maloney, S. (2014), "Three Reasons Why Russia Won't Wreck the Iran Nuclear Negotiations" *Markaz Blog*, Brookings Institution, 25 March 2014, <http://www.brookings.edu/blogs/markaz/posts/2014/03/22-russia-us-tension-sabotage-iran-nuclear-deal>
- Mamedov, R. (2021), "Russia: Towards a Balance of Interests in the Eastern Mediterranean" Published 2021 on August 9 <https://modern.diplomacy.eu/2021/08/09/russia-towards-a-balance-of-interests-in-the-eastern-mediterranean/>.

- Marc Champion and Javier Blas, "Putin's Oil and Gas Deals Magnify Military Power in Middle East," Bloomberg (December 20, 2016), retrieved from <https://www.bloomberg.com/news/articles/2016-12-20/putin-s-oil-and-gas-deals-magnify-military-power-in-middle-east>.
- Matlack, C. (2015), 'Why the Jihadi Threat to Russia is Getting Worse', Bloomberg, 30 March 2015,
- NBC News (2015), "Obama Thanks Putin for Russia's Role in Iran Nuclear Deal" <https://www.nbcnews.com/storyline/iran-nuclear-talks/obama-thanks-putin-russias-role-iran-nuclear-deal-n392976> (accessed 24 August 2021).
- Rauf Mammadov (2018): "Russian in the Middle East: Energy Forever?" The Jamestown Foundation, March 8.
- Roussos, S. (2020), Russia, The Middle East and The International System, University of Peloponnese, Centre for Religious Pluralism in the Middle East (CRPME)
- Russia ready to invest \$50 billion in Iran's oil & gas projects, *Neftegaz.ru*, July 16, 2018, <https://neftegaz.ru/en/news/view/173310-Russiaready-to-invest-50-billion-in-Iran-s-oil-gas-projects>.
- Russia, S. Updated National Security Strategy (NSS), July 2021 accessed on 2021/08/25 <https://www.ndc.nato.int/research/research.php?icode=704>
- Russia's "Regaining Positions" on Mideast Arms Markets- Official" RIA Novosti, 19 February 2007.
- Russia's Portfolio of Orders for Arms Exports Reaches \$30Bln – Official", 27 February Interfax-AVN, 2007.
- Russian-Arab Business Council, [The Second Meeting of the Russian-Arab Cooperation Forum], 3 December 2014, http://www.russarabbc.ru/about/news/index.php?ELEMENT_ID=34569 (accessed 13 Jul.2015).
- Sinjab, L. (2018). "Russia and Iran Are Increasingly Competitive in Syria." Chatham House, Assessed 12 January 2019. <https://syria.chathamhouse.org/research/russia-andiran-are-increasingly-competitive-in-syria>
- Sladden, J., Wasser, B., Connable, B. & Grand-Clement, S. (2017), "Russia Strategy in the Middle East" Prospective expert insight on a timely policy issue, published by Rand Corporation.
- Stepanova, E. (2020), "Russia's Foreign & Security in the Middle East: Entering the 2020s", Istituto Affari Internazionali, published by Foundation for European Progressive Studies.
- Stephen Jewkes and Valentina Za, "Eni Spreads Egypt Gas Field Risk with Rosneft Stake Sale," Reuters, (December 12, 2016), retrieved from <https://www.reuters.com/article/us-eni-zohr-rosneft-oilidUSKBN14112U>.
- Vasiliev, A. (2018), Russia Middle East Policy: From Lenin to Putin, London, Routledge.
- Waltz, K. (1979) "Theory of international politics, Addison-Wesley.
- Wasser, B. (2019), "The Limits of Russian Strategy in the Middle East", Prospective expert insight on a timely policy issue, published by Rand Corporation. www.rand.org.
- Yusupov, C., Carne, K. O., Schwart, I. H. (2009), "Russia Foreign Policy: Sources and Implications, RAND Report, stanaMonica:RAND.